

تلاش محافظه کاران برای بدست گرفتن رهبری «دفتر تحکیم وحدت»

*** افشاری: نشست شیراز غیر قانونی است**

*** عطری: این هفته انتخابات دفتر تحکیم برگزار می شود**

*** برگزیدگان نشست شیراز از کرسی رهبری تحکیم وحدت کنار نمی روند**

روز سه شنبه هفتم اسفند به دنبال تهاجم نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها به ساختمان مرکزی دفتر تحکیم وحدت در تهران و دستگیری ۳۵ تن از اعضای آن، شورای تامین استان تهران دستور داد دفتر تحکیم وحدت را مهر و موم سازند و از برگزاری نشست شورای عمومی اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور در این محل جلوگیری کنند. شورای تامین استان تهران برداشتن «پلمپ» دفتر را به حل اختلافات درونی دانشجویان عضو تحکیم وحدت مشروط ساخته و اعلام کرده تا زمان رفع اختلافات مهر و موم دفتر برداشته نخواهد شد.

اما اختلاف بر سر چیست، کی و چگونه حل خواهد شد؟ اصلاح طلبان حکومتی و محافظه کاران به این پرسشها

پاسخ های متفاوتی دارند و همین موضوع تعیین چشم انداز و پیش بینی بازگشایی دفتر تحکیم وحدت را دشوارتر می کند. اجلاس شیراز ظاهرا آغاز اوج گیری تنش دو طیف محافظه کار و اصلاح طلب دفتر تحکیم وحدت بوده است. آن دسته از دانشجویانی که نشست شیراز را به راه انداختند علت بروز درگیری را عدم پذیرش تصمیمات اجلاس شیراز از طرف دانشجویان اصلاح طلب دفتر تحکیم وحدت می دانند. آنان حاضر نیستند رهبری و امکانات این سازمان دانشجویی را در اختیار منفی طاطاس،

محمد جابری و مهدی منوچهری که با پشتیبانی محافظه کاران نشست غیرقانونی شیراز را برگزار کردند، واگذار کنند. سازمان دهندگان اجلاس شیراز خود را مستقل و سایر اعضای دفتر تحکیم وحدت را وابسته به نیروهای مسلمی - مذهبی می خوانند. از نظر دانشجویان طیف اصلاح طلب دفتر تحکیم وحدت، انتخابات شیراز و پشتیبانی نیروی انتظامی و

روزنامه های محافظه کار از این حرکت، نمود پر رنگ نشست گیلان در شهریور ماه سال جاری و نشانه آشکار تداوم تلاش های محافظه کاران برای بدست گرفتن رهبری دفتر تحکیم وحدت و حذف نیروهای رادیکال از این سازمان است.

علی افشاری: خامنه ای و شاهرودی حامیان نفوذی ها
علی افشاری عضو سابق



۸ مارس، روز جهانی زن گواهی باد

*** آوای چهار ستاره ی روشن، چهار زنا!**

*** اظهار نظر پیرامون پیوستن ایران به کنوانسیون جهانی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان**

*** لایحه ای علیه حقوق زنان!**

در صفحات ۴ و ۵

نگاهی به اوضاع و دشواری های

جوانان در ایران

در صفحات ۱۰ و ۱۱

بنا به اطلاعیه کانون زندانیان سیاسی (در تبعید)

دو تن از معلمان زخمی جان سپردند

بنا به اطلاعیه کانون زندانیان سیاسی (در تبعید) دو تن از معلمان که در جریان حمله مامورین حکومت در مقابل دفتر ریاست جمهوری زخمی شده بودند. بر اثر شدت جراحات در بیمارستان درگذشتند. این دو معلم به نام های اختر قاسم زاده ۳۷ ساله و محمد ابراهیم احمدی نیا ۴۶ ساله، در مدارس ناحیه ۸ آموزش و پرورش تهران تدریس می کردند و به ترتیب ۱۳ و ۳۱ سال سابقه کار داشتند. بنا به همین گزارش این دو معلم بر اثر ضربات باتوم و قنداق تفنگ در محل بیهوش شده و پس از اعزام به بیمارستان آریا بلافاصله مورد عمل جراحی مغز و طحال قرار گرفتند. شبانگاه بعد از عمل جراحی و در حالی که هر دو هنوز در کما بسر می بردند توسط مامورین به بیمارستان خاتم النبیا سپاه پاسداران منتقل شدند. از آن به بعد حق خانواده های آنها نیز اجازه ملاقات با آنها را نداشتند.

مصاحبه با یک فعال جنبش کارگری

و سندیکایی کشور

درباره اعتراضات اخیر معلمان

در صفحه ۶

در این شماره

از استقلال و مبارزات جنبش

دانشجویی حمایت کنیم

در صفحه ۳

گام های شجاعانه، نیاز امروز

در صفحه ۷

نگاهی به سند «برآمدی دیگر، روالی دیگر»

در صفحه ۷

تناقض میان واقعیت ها

و نتیجه گیری های سیاسی

در صفحه ۸

کار پایه سازمانی فداییان خلق ایران (اکثریت)

پیش نهادی به هفتمین همایش سراسری نمایندگان

در صفحه ۹

کاپیتورن:

اعدام ها و احکام شلاق افزایش یافته است

می شوند و محاکمه آنها پشت درهای بسته برگزار می شود. او همچنین می گوید که در سال گذشته با بازداشت شدن گان سیاسی وسیعاً پدافندی شده، در مورد زنان و اقلیت ها تبعیض ها ادامه یافته و محاکمات از معیارهای پذیرفته شده بین المللی برخوردار نبوده است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد قرار است روز ۱۸ مارس اجلاس سالانه خود را برای بررسی حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان آغاز کند و با توجه به گزارش موریس کاپیتورن به احتمال زیاد جمهوری اسلامی به عنوان یکی از نقض کنندگان عمده حقوق بشر محکوم خواهد شد.

حقوق بشر در جمهوری اسلامی باید به ایران سفر کنند، ولی مقامات ایران در شش سال گذشته از سفر او به ایران جلوگیری کرده اند. گزارشگر سازمان ملل متحد می گوید که در سال گذشته مطبوعات بیشتری در ایران توقیف شدند و روزنامه نگاران بیشتری نیز به زندان افتادند. از به خصوص به شلاق زدن جوانان در میدان های شهر اشاره می کند و می گوید که شلاق زدن مجازاتی خشن و غیر انسانی است و باید متوقف شود. کاپیتورن به بازداشت های اعضای نهضت آزادی اشاره میکند و می گوید که آنها در سول های انفرادی نگهداری

موریس کاپیتورن گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش خود وضعیت حقوق بشر در ایران را وخیم توصیف می کند. او می گوید که در سال گذشته میلادی نه تنها تغییر مهمی در رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی حاصل نشده، بلکه بر موارد شلاق زدن ها، اعلام ها و سنگسارها در ملاء عام افزوده شده است. کاپیتورن که در هفت سال گذشته نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران بوده، قوه قضائیه را مانع اصلی اصلاحات در سال گذشته در کشور دانسته است. او با آنکه برای انجام تحقیقات در مورد وضعیت

در پس هیاهوی «وضعیت فوق العاده» چه نهفته است؟

حلقه واسط سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی، «وضعیت فوق العاده» است. برخی عناصر افراطی وابسته به جناح محافظه کار در ایران بحث «وضعیت فوق العاده» را پیش کشیده اند و می گویند با نطق «محور شرارت بوش»، چاره ای نیست جز آنکه در کشور، موقعیت اضطراری اعلام شود و تصمیمات در مورد امور کشور به جای طی مراحل عادی خود و به جای به بحث گذاشته شدن در مجلس و مطبوعات و افکار عمومی، توسط رهبری جمهوری اسلامی، در خفا و بدون بروز اختلافات در مق عام، گرفته و به اجرا گذاشته شود. لازمه چنین اقدامی، محدود کردن باز هم بیشتر آزادی بیان و سرکوب شدید تر مخالفان جناح مسلط در حکومت است. این طرح، اعتراض اصلاح طلبان حکومتی را برانگیخته است. سعید حجاریان در مساحیه ای با نوروژ گفت هدف طراحان موقعیت فوق العاده، افزودن بر قدرت خود است. نظایر این اظهار نظر، این روزها در مطبوعات وابسته به جناح دوم خرداد حکومت فراوان است. اما نکته ای که بیشتر جلب توجه می کند، مخالفت برخی از وابستگان به جناح محافظه کار از طرح وضعیت اضطراری است. محسن بیحوی نماینده پیشین مجلس از جناح محافظه کار، گفته است اگر چه جناح های حکومت باید از طرح اختلافات خود بپرهیزند، نیازی به اعلام وضعیت فوق العاده نیست چرا که در همین شرایط کنونی نیز تصمیمات درباره سیاست های جمهوری اسلامی را رهبری می گیرد. این گفته، اعتراف به این واقعیت است که با بودن ولایت فقیه، عملاً بیش از دو دهه است که در ایران وضعیت فوق العاده حکمفرماست. آنچه در کشورهای دیگر با برقراری حکومت نظامی و وضعیت فوق العاده اعمال می شود، در جمهوری اسلامی شرایط عادی مطابق با قانون اساسی این نظام محسوب می گردد. مقامات و نهادهایی وجود دارند که احراز آنان از طریق انتخاب مردم میان گروهی محدود تشکیل می شود، اما قدرت اصلی تصمیم گیری در دست نهادها و مقاماتی دیگر است. در کشورهای دیگر، چنین شرایطی حکم موقعیت فوق العاده را دارد.

اگر چنین باشد که بیحوی می گوید و رهبری جناح محافظه کار، ضرورتی به اعلام وضعیت فوق العاده احساس نمی کند، پس هدف طراحان این موضوع چیست؟ به نظر می رسد آنان به مرگ گرفته اند تا اصلاح طلبان به تب راضی شوند. نگاه داشتن شمشیر دامکلس سرکوب نظامی و وضعیت فوق العاده، تغییر قانون اساسی در جهت سپردن اختیارات قانون گذاری به مجمع تشخیص مصلحت و نظایر آن، همه از تاکتیک های محافظه کاران برای در انفعال نگه داشتن اصلاح طلبان است. حال که بسیاری در جبهه اصلاح طلبان به موانع اصلاحات در قانون اساسی می اندیشند، محافظه کاران سخن از تغییر قانون اساسی درست در جهت خلاف آنچه مردم می خواهند را به میان آورده اند. سخن از وضعیت غیر عادی است تا همین وضعیت غیر عادی موجود، برای مردم و اصلاح طلبان عادی شود.

ادامه در صفحه ۲

پالس و پارازیت

دومین پالس آمریکایی ها به ایران در مورد یک خطر فوری، دادن یک خبر مثلاً مجرمانه به روس ها بوده است. اولین پالس، درز خبر تمرین نظامی خلبانان اسرائیلی در شرق ترکیه روی ماکت نیروگاه اتمی ایران بود. این همان نیروگاه اتمی ایران بود. این همان نیروگاهی است که اسرائیل یک بار در دهه ۶۰ به آن حمله کرد. تصویری که از این پالس در ذهن پدید می آمد این

بود، اسرائیل به بهانه ای، که دستگاه تبلیغاتی اش در ماه های اخیر به شدت روی آن کار کرده است، نیروگاه بوشهر را می زند. از دومین پالس، چیزی به ایران گفته نشد. روس ها این روزها واسطه گیری پیام های مخفی را صرفاً برای عراق می کنند و با مارتار علنی دارند و صریح حرف می زنند و فقط حاصل آن که نیاز یک باره کارشناسان روسی نیروگاه اتمی

بوشهر به دیدن زن و فرزند بوده، به چشم ما آمده است با این سطرهای یک باره، پیام ظریفی به ایران داده اند و حالا بهتر می شود فهمید فرصت نداشتن پوتین برای دیدار با خرازی چقدر معنا دارد. پالس هایی هم از این طرف رفته است. گویا مصلحت ما هم این بوده است که پالس آخر خود را از طریق مطبوعات غربی بفرستیم، وگرنه تصمیم برای آن که اجرای پروژه موشکی دارای برد بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر خود ادامه در صفحه ۲

مذاکره با آمریکا تنها راه خروج از بحران

ذوالقدر از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه با بیان این تهدید که جمهوری اسلامی در صورت حمله نظامی آمریکا، جریان صدور نفت از طریق تنگه هرمز را قطع خواهد کرد، پیش از آنکه در خارج از ایران جلب توجه کند، در داخل کشور بحث‌انگیز شد. کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس که در گذشته نه چندان دور، ممکن بود از اظهاراتی مانند آنچه ذوالقدر گفت تا ماه‌ها برای دریافت کمک نظامی بیشتر از آمریکا بهره‌گیرند، این بار با خونسردی شگفت‌انگیزی از کنار تهدید ابلهانه ذوالقدر گذشتند. در عوض، نمایندگان دوم خردادی که در گذشته نه چندان دور، ممکن بود جرات نکنند وارد این گونه مقولات شوند، به سخنان ذوالقدر اعتراض کردند و در داخل کشور بحثی را دامن زدند که هنوز ادامه دارد و تداوم آن قطعاً در خدمت منافع ملی ایران است. زمانی بود که نمایندگان مجلس با یک تشر خمینی از سؤال خود از دولت در مورد سیاست خارجی صرف‌نظر می‌کردند و تصمیم‌گیری در مورد این گونه مسائل در انحصار حلقه کوچکی پیرامون بیت رهبری بود.

البته در هفته‌های اخیر نیز به دنبال انتقاد از ذوالقدر در مجلس، سیل دشنام و هتاک‌ها از جانب روزنامه‌هایی مانند کیهان به سمت نمایندگان معترض جاری شد و این نمایندگان برسجسب‌هایی مانند «مرعوبین آمریکا» خوردند. اما «مرعوبین آمریکا» این بار این قدر شجاعت داشته‌اند که مرعوب فرماندهی سپاه و بلندگویان مطبوعاتی آن نشوند، و بحث در مورد سخنان ذوالقدر را در مجلس ادامه داده‌اند. در نتیجه، محافظه‌کاران در پاسخ انتقادات این نمایندگان ناگزیر شده‌اند به جای فحاشی صرف، به استدلال هم بپردازند. از جمله این استدلالها، این است که سخنان فرمانده مزبور، جنبه «بازدارندگی» داشته است.

بازدارندگی نظامی، اصطلاحی است که از جمله، در زمان جنگ سرد در رویارویی اتمی آمریکا و شوروی به کار می‌رفت. مراد از کاربرد این اصطلاح، توصیفی بود که چهل سال «توازن رعب» را میان دو ابرقدرت برقرار کرده بود. هر یک از آنها، چند برابر توانایی نظامی لازم برای نابودی کامل رقیب را داشتند (Overkill) و بعلاوه، قادر بودند تقریباً در هر گوشه جهان وارد درگیری‌های نظامی متعارف (غیر هسته‌ای) با ابرقدرت دیگر شوند. در جایی هم که چنین امکانی وجود نداشت، مانند نمونه شوروی در کوبا، ابایی نداشتند که به تهدید یک موشکی متوسل شوند. این توازن، در جهان موقعیت «آچمز»ی را به وجود آورده بود که در سایه آن، انقلاب کوبا می‌توانست پیروز شود و حکومت پرآمده از آن دوام آورد، مردم ویتنام دو قدرت امپریالیستی فرانسه و آمریکا را از کشورشان بیرون می‌کردند و یا برعکس، شوروی حتی در افغانستان یعنی همسایگی مستقیم خود نمی‌توانست شرایط مورد نظرش را به وجود آورد. اصلاح بازدارندگی در آن شرایط، معنا و مفهوم داشت. توازن رعب، دو قدرت نظامی بزرگ جهان را از باز کردن گره‌های سیاست خارجی خود از طریق نظامی، باز می‌داشت. هر مرحله از بالاگرفتن (Escalation) نظامی برای ابرقدرت نیز خطراتی در برداشت و در نتیجه حتی مردمی پابرهنگه و دست‌خالی نسبت به شرایط معینی می‌توانستند به مصاف نظامی هر یک از دو ابرقدرت بروند. مهم‌ترین شرطش آن بود که حمایت ابرقدرت دیگر را به دست آورند، به گونه‌ای که ریسک بالاگرفتن نظامی برای دشمن قدرقدرتشان، بیش از سودش باشد.

جنگ سرد با فروپاشی شوروی به تاریخ پیوست و با آن، توازن رعب نیز، روسیه هرچند بخشی از زرادخانه موشکی شوروی را هنوز در اختیار دارد، اما همه می‌دانند تقریباً در همه مراحل سطوح پائین‌تر رویارویی نظامی، توانایی مقابله با آمریکا را از دست داده است. در نتیجه، آمریکا تنها ابرقدرت باقی مانده است. هیچ کشوری دیگر نمی‌تواند با اتکا به حمایت قدرتی دیگر، به مصاف نظامی ایالات متحده برود. بازدارندگی نظامی در مقابله با آمریکا معنا و مفهوم خود را از دست داده است، چرا که ریسک هر رویارویی نظامی با آمریکا برای طرف مقابل، به مراتب بیش از خطراتی است که متوجه ایالات متحده است. بیپرده نیست که اکنون واکنش تهدید اصلی علیه امنیت خود را تروریسم می‌داند. واقعیت این است که تروریسم، تنها سلاح باقی مانده برای بی‌چیزان مصر به مقابله قهرآمیز با ایالات متحده است، البته سلاحی که در شرایط کنونی بین‌المللی از لحاظ کارآیی، شباهت‌هایی با زرادخانه اتمی رقبای هسته‌ای آمریکا دارد؛ کسی که به این سلاح متوسل می‌شود، باید با این دنیا وداع کند و نابودی خود را پذیرفته باشد. چنین سلاحی به کار بازدارندگی حساب شده نظامی نمی‌آید.

بنابراین به لحاظ نظامی، به تعبیری، کل جهان مرعوب آمریکاست. کسی و قدرتی نیست که یک جو عقل داشته باشد و برای خود در درگیری نظامی با ایالات متحده حتی اندکی امکان موقعیت قائل شود. بعید است که امثال آقایان ذوالقدر، این را ندانند. بعید است فرماندهی

در پس هیاهوی «وضعیت فوق‌العاده» چه نهفته است؟

ادامه از صفحه ۱
با اینکه رهبری جناح ولایت‌گرا در جمهوری اسلامی هنوز تصمیم به روی آوردن یک سره به بستن شمشیر از رو و کودتای نظامی نگرفته است، نباید پنداشت که در این جناح، چنین راه حلی طرفدار ندارد. هستند کسانی از تسامت‌گرایان افراطی که می‌پندارند که خواهند توانست واقع میدان تین‌ان‌من پکن را در ایران تکرار و حساب جنبش اصلاحی را یکسره کنند. در عین حال، در میان محافظه‌کاران کسانی

سپاه پاسداران نداند که به لحاظ نظامی برای آمریکا محافظت از جریان کشتی رانی بین خلیج فارس و دریای عمان و نیز دفع حملات به چاه‌های نفتی شیخ‌نشینا کار دشواری نیست. یا باید فرض کنیم که فرماندهان نظامی حول و حوش بیت رهبری، با این دنیا وداع کرده‌اند (که با توجه به مواهب مادی مورد استفاده آقایان دور از ذهن است) و یا خود آنها نیز تهدیدات خویش را جدی نمی‌گیرند و با این‌گونه سخنان، اهداف دیگری را دنبال می‌کنند، از قبیل فراهم آوردن زمینه‌های اعلام «وضعیت فوق‌العاده» یا حداقل تشدید سرکوب مخالفان و منتقدان ولایت فقیه بدون اعلام رسمی موقعیت اضطراری.

از سخنان آقای ذوالقدر که بگذریم، وضع سیاست در قبال آمریکا نیازمند بحث فراگیر ملی است و همه نیروهایی که نگران سرنوشت مردم ایرانند، وظیفه و حق مشارکت در این بحث را دارند. آیا محکوم بودن هر گونه رویارویی نظامی با آمریکا به معنای آن است که «در کف شیر نر خونخوارهای، غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای»، یعنی برای همه کشورها جز تن دادن به اراده واکنشگر در همه عرصه‌ها راهی نیست؟ چنین می‌بود اگر حیات بین‌المللی تنها در مقولات و مناسبات نظامی خلاصه می‌شد. تصادفی نیست که تمام هم و غم جناح میلیتاریست حاکم بر دولت آمریکا، نظامی کردن مناسبات بین‌المللی است. در عرصه نظامی است که دولت ایالات متحده بی‌رقیب و قادر به تحمیل اراده خود به مابقی جهان است. هر اقدامی که مناسبات بین کشورها را به عرصه نظامی بکشانند، سود آن مستقیماً نصیب بوش‌ها و رامسفلدها می‌شود. اما عرصه نظامی، تنها بخشی از مناسبات بین‌المللی بوده و هست. چه در زمان «موازنه رعب» و چه امروز، امور نظامی به تنهایی روندهای بین‌المللی را تعیین نمی‌کردند و نمی‌کنند. هنگام جنگ ویتنام اگر چه مبارزه مردم این کشور و حمایت شوروی، عوامل اصلی به عقب راندن مداخله نظامی آمریکا را تشکیل می‌دادند، اما اعتراضات افکار عمومی جهان و به ویژه ایالات متحده به آن جنگ غیرانسانی نیز در شکست جنگ‌طلبان در واکنشگر تأثیر غیرقابل انکاری داشت.

در جهان امروز نیز تنها قدرت نظامی نیست که تعیین‌کننده است. چه مناسبات بین کشورها و چه سیاست داخلی آنها از عوامل دیگری نیز تأثیر می‌گیرند. هیچ قدرتی در دنیا نیست که در مقابل و علی‌رغم اراده و میل افکار عمومی فعال مایشت باشد. نمونه اش، کشور خود ماست؛ اگر به میل امثال آقایان ذوالقدر و رحیم صفوی بود، مدت‌ها بود که همه زبانها بریده و همه گردن‌ها زده شده بود. در سیاست جهانی نیز آقایان بوش و رامسفلد فعال مایشت نیستند. در خود آمریکا صداهای مخالف نطق «محور شرارت» بوش بسیار بودند و در عرصه بین‌المللی نیز. هر اقدامی که این صداهای را تقویت کند به سود صلح جهانی و عادلانه‌تر کردن مناسبات بین کشورها، و هر گامی در جهت کشاندن روابط بین‌المللی به عرصه نظامی، لطمه زدن به مواضع مخالفان نظامی‌گری است.

در دنیای امروز، تلاش برای قرار دادن مناسبات بین‌المللی بر مبنای عادلانه‌تر محکوم به شکست نیست. ابزار اصلی این تلاش، سوق دادن مناسبات بین‌المللی به سمت حوزه تحت نظارت و قضاوت افکار عمومی و نهادهای مدنی است. در عین حال جز این، هیچ راه دیگری برای مللی که برای مقابله نظامی با قدرتهای بزرگ را ندارند، نمانده است. ایران نیز برای دفاع از منافع خود چاره‌ای ندارد جز آنکه الزامات مدنی کردن حیات بین‌المللی را بپذیرد و با تمام قوا از عرصه مقابله نظامی بپرهیزد.

از الزامات مدنی کردن حیات بین‌المللی، مذاکره و روابط دیپلماتیک با همه کشورهای جهان است. تنها راه برون رفت از بحران مناسبات خارجی جمهوری اسلامی، مذاکره با آمریکاست. در هفته گذشته عباس عیدی عضو شورای مرکزی جنبه مشارکت گفت تا وقتی دموکراسی در ایران نهادی نشده است و کسانی که با آمریکا مذاکره می‌کنند نماینده مردم نیستند، مخالف رابطه با آمریکاست چرا که در فقدان دموکراسی چنین رابطه‌ای «تردیان اقلیت» خواهد شد. با این گفته عیدی با اینکه هسته‌ای از حقیقت در آنست، باید مخالفت کرد. واقعیت آنست که بسیاری از معضلات و بحرانها، حادث از آنست که بتوان آن را موکول به برقراری دموکراسی در کشور ما نمود. از جمله این معضلات و بحرانها، اوضاع پدید آمده در منطقه خاورمیانه است که امنیت ملی ایران را به خطر انداخته و ممکن است در تداوم خود به مبارزه در راه دموکراسی در ایران نیز لطمه‌های جبران‌ناپذیر وارد آورد. در حقیقت برای آنکه دشمنان دموکراسی در ایران خلع سلاح شوند، باید بحران سیاست خارجی جمهوری اسلامی تخفیف یابد.

این بحران تنها ناشی از نطق «محور شرارت» رئیس جمهور آمریکا نیست و ریشه در سیاست‌های نابخردانه جمهوری اسلامی دارد. اکنون با طرح صلح شاهزاده عبدالله و لیسعد عربستان سعودی، فرصتی تکرارشدنی پیش آمده است که جمهوری اسلامی بدون تن دادن به تحقیر و خفت، از بن بست که خود برای سیاست خاورمیانه‌ای ایران به وجود آورده است خارج شود. اعلام حمایت تهران از طرح عربستان و التزام عملی به این موضع، نطق «محور شرارت» بوش را در مورد ایران به تاریخ خواهد سپرد و از خطراتی که بر ایران سایه افکنده است خواهد کاست. آیا زمامداران جمهوری اسلامی آنقدر شهامت دارند که این فرصت را در یابند؟

ابعاد مالی آن، بلکه به خاطر کشیده شدن پای شخصیت‌های بسیار عالی رتبه جمهوری اسلامی تا دفتر خود خامنه‌ای به قضیه رسوایی مالی، بی‌سابقه بود. این رسوایی که فعلاً تحت‌الحشاع بحران سیاست خارجی قرار گرفته است، نشان داد علایق مقامات جمهوری اسلامی از همه جناح‌ها با هزاران رشته منافع مادی و مالی به موقعیت موجود گره خورده است. برای آنان چه شرایطی بهتر از این که در سایه‌اش توانسته‌اند در زمره صاحبان اصلی قدرت اقتصادی در ایران قرار گیرند. اکنون انگیزه‌های عمل بسیاری از سیاستمداران و بازیگران صحنه در ایران، بسیار «این جهانی» است. بسیاری از آنها به خاطر موقعیتی که دارند، محافظه‌کار

ادامه از صفحه ۱
وحدت خواند و تأکید کرد: مخالفان اصلاحات امکان از بین بردن جنبش دانشجویی را ندارند، می‌خواهند با فرمایشی کردن جنبش کارکرد آن را به فعالیت‌های صوری تنزل دهند. مخالفان اصلاحات قصد دارند این کار را از طریق رسوخ در تشکیلات جنبش به انجام برسانند.

جابری از سازمان دهندگان اجلاس شیراز روز شنبه ۱۱ اسفند به خبرنگار روزنامه بنیان گفت: برگزاری نشست، تابع مقدماتی است که باید طبق اساسنامه اتحادیه دنبال شود و این کار در نشست شیراز و گیلان انجام گرفت و از نظر ما انتخابات برگزار شده است. وی تأکید کرد که شورای تأمین استان یا



وزارت آموزش عالی و هیات نظارت بر تشکلهای دانشجویی هم جز اظهار نظر نمی‌توانند نسبت به دعوت دانشجویان و تجدید انتخابات اقدامی بکنند. جابری از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر در پاسخ به این سوال خبرنگار بنیان که چه راهی برای حل اختلافات داخلی دفتر تحکیم دارد، گفت: زمان مسائل را حل خواهد کرد. به بیان دیگر اگر دانشجویان اصلاح طلب دفتر تحکیم با اعمال فشار و مقاومت یک پارچه نتوانند انتخابات شورای مرکزی اتحادیه دانشجویان اسلامی دانشگاه شیراز را برگزار کنند، حداقل تا یک سال آینده سیدمهدی منوچهری، احمد علم شاهی، مهدی طباطبایی از دانشگاه تبریز و محمد جابری رهبری دفتر تحکیم وحدت را در دست خواهند داشت.

افشاری افزود: در درون تشکیلات جنبش دانشجویی عواملی نفوذی به غده سرطانی مجموعه تبدیل شده‌اند و با بزم زدن قواعد تشکیلاتی موجبات انسداد این جنبش را فراهم کرده‌اند. وی گفت: این اقلیت که از میان ۶۳ رای تحکیم، کمتر از ۱۰ رای دارد با ایجاد اختلاف باعث شده که پتانسیل مجموعه، صرف حل این اختلاف‌ها شود. نشست گیلان و شیراز دنباله این حرکات هاست. افشاری با اشاره به برنامه پرسش و پاسخ رئیس قوه قضائیه با دانشجویان گفت: در جلسه سخنرانی آقای شاهرودی هم آن نماینده هیچ ارتباطی با دفتر تحکیم وحدت نداشت و اینگونه اعمال، تجاوز در حرم قانونی این تشکیلات است. عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم افزود: شایسته است نهاد نمایندگی ولی فقیه نیز بی‌طرف باشد و با پشتیبانی کردن از یک جریان به جایگاه این نهاد در دانشگاه‌ها لطمه نزند. افشاری یک روز پیش از تهاجم ماموران انتظامی به دفتر تحکیم وحدت در تهران، از طرف دادگاه احضار و به زندان انتقال یافت تا دوره محکومیت خود را بگذراند.

طباطبایی و جابری رهبران دفتر تحکیم وحدت؟
از اظهارات طباطبایی و جابری چنین بر می‌آید که آنان خود را رهبران منتخب دفتر تحکیم وحدت می‌دانند و به سیاستی که در شیراز آغاز شده ادامه خواهند داد و احتمال اینکه اجلاس‌های آتی بدون کشمکش بالای نظامی و امنیتی را در دست دارند و از ناحیه آنان، سردم و آزادخواهان را خطرات جدی تهدید می‌کند. مقاومت و هشاری در برابر توطئه‌های این محافل را باید به زمینه سازماندهی مبارزه برای ایجاد شرایطی تبدیل کرد که از اینگونه عناصر و محافل برای انتخابات دیگری برگزار شود.

پالس و پارزیت
ادامه از صفحه ۱
را فعلاً به حال تعلیق در آوریم قاعدتاً بیش از آن سری است که بتواند از الشرع الاوسط سردر بیآورد. مجموعه این پالس‌ها حاکی از فشار یک طیف برای تسلیم طرف دیگر (جسنگی در کار نخواهد بود) و تلاش طرف دیگر برای نشان دادن حسن نیت کدام یک غالب آیند به خیلی چیزها بستگی دارد. ولی پیش از همه، به پارازیت‌هایی وابسته است که در جریان درهم‌پختگی خطوط و پالس‌ها سوار می‌شوند. گاهی اوقات پارازیت بعدی پالس را تغییر می‌دهد. به نقل از روزنامه بنیان

تقدیر از برگزارکنندگان جشن ۳۱امین سالگرد سازمان
سی‌ویکمین سالگرد ۱۹ بهمن امسال نیز به همت شماری از اعضا و دستداران سازمان شکوهمندانه جشن گرفته شد. هیات سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به این وسیله از ستاد برگزاری جشن و دیگر رفقای که در برگزاری جشن کوشیدند، از رفقای جوان و نوجوانی که با سهیمشان در جشن و برگزاری آن، به جشن شادابی بیشتری بخشیدند، تقدیر می‌کند.

تلاش محافظه‌کاران برای بدست گرفتن رهبری «دفتر تحکیم وحدت»

انتخابات تعیین شده است. قرار بود انتخابات روز شنبه برگزار شود اما برگزارکنندگان نتوانستند پانچام انتخابات شیراز را برای مشارکت در انتخابات آینده متقاعد سازند. عطری گفت از برگزاری انتخابات روزهای پنج‌شنبه و جمعه دو سوم انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور حمایت می‌کنند.

دانشجویان انتخابات آزاد و دمکراتیک می‌خواهند
در حالی که دانشجویان اصلاح طلب دفتر تحکیم وحدت تلاش می‌کنند با برگزاری هرچه سریع‌تر انتخابات شوروی مرکزی به اختلافات درونی و پی‌آمدهای منفی آن پایان دهند و نگذارند این اختلافات به انزوای بیشتر مجموعه دفتر تحکیم وحدت در میان دانشجویان منجر شود، دانشجویان دگراندیش به دنبال تأمین شرایط انتخابات آزاد و دمکراتیک در دانشگاه‌ها هستند. از نظر دانشجویان دگراندیش فقدان تشکلهای دانشجویی که بازتاب دهنده گرایش‌های فکری - سیاسی مختلف باشد، یکی از عوامل بروز اختلافات و درگیری در درون دفتر تحکیم وحدت است. عملکرد انحصارطلبانه دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها و عدم دفاع آنها از حق فعالیت آزادانه دانشجویان دگراندیش به سهم خود به کاهش رغبت دانشجویان به درگیری‌های درونی دفتر تحکیم وحدت و سرنوشت آن می‌شود. درگیری‌های کنونی در درون دفتر تحکیم وحدت فرصت مناسبی برای بازبینی و تغییر آیین‌نامه تشکلهای دانشجویی است. باید آیین‌نامه بگونه‌ای تغییر یابد که متضمن حقوق دانشجویان دگراندیش باشد و تشکیلاتی را که بیانگر خواسته‌های صنفی - سیاسی خود می‌دانند تشکیل دهند و مطالبات خود را از طریق پارلمان دانشجویی متحقق سازند.

اکبر عطری برگزار می‌شود
به زودی برگزار می‌شود اکبر عطری که روز سه‌شنبه در جریان تهاجم ماموران انتظامی به دفتر تحکیم وحدت هدف، ضرب و شتم ماموران و لباس شخصی‌ها قرار گرفته بود روز شنبه ۱۱ اسفند خبر داد که تا پایان هفته جاری انتخابات شورای مرکزی اتحادیه دانشجویان اسلامی برگزار خواهد شد. روزهای پنج‌شنبه ۱۶ و جمعه ۱۷ اسفند بعنوان زمان

تقدیر از برگزارکنندگان جشن ۳۱امین سالگرد سازمان
سی‌ویکمین سالگرد ۱۹ بهمن امسال نیز به همت شماری از اعضا و دستداران سازمان شکوهمندانه جشن گرفته شد. هیات سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به این وسیله از ستاد برگزاری جشن و دیگر رفقای که در برگزاری جشن کوشیدند، از رفقای جوان و نوجوانی که با سهیمشان در جشن و برگزاری آن، به جشن شادابی بیشتری بخشیدند، تقدیر می‌کند.

از استقلال و مبارزات جنبش دانشجویی حمایت کنیم

دانش باقرپور

جنبش دانشجویی پس از دوم خرداد و پشت سر نهادن فراز و فرودهای چند ساله، می‌رود تا بمشابه منتقد اجتماعی در کشور ما جلوه کند، چون و چرا گذاشتن این قشر در مقابل تمامی پدیده‌ها از ویژگی‌های ساختاری و طبیعی جنبش دانشجویی بشمار می‌رود. از همین رو بازیابی هویت مستقل فکری، بعنوان اصل تفکیک‌ناپذیر اندیشه روشنفکری خصلت و جوهره اصلی جنبش دانشجویی را تشکیل داده است.

جنبش دانشجویی از آن رو که تصمیم دارد قواعد و ویژگی‌های فکری و اندیشه‌ای خود را مستقلاً وضع کند، با موانع اساسی از سوی ساختار قدرت و عوامل وابسته به آن مواجه شده است. زیرا که سیاستمداران و عوامل دستگاه قدرت در پی حلقه کردن به این جنبش برآمده‌اند، رفتار سیاسی، امنیتی که از بافت قدرت نسبت به فعالین دانشجویی صورت می‌گیرد، همگی مبین این وضع است.

روشنگری جنبش دانشجویی حول این موضوع خشم صاحبان قدرت و ثروت را برانگیخته است، در این میان، فعالین دانشجویی بارها از حداقل‌های ممکن بهره گرفته‌اند و محیط دانشگاه را به قانون فعالیت‌های سیاسی و ابراز نارضایتی‌های اجتماع، تبدیل ساخته‌اند.

حواب را از چشم نانون‌های قدرت و مراکز امنیتی ربوده و در شرایط فعلی نوک تیز حمله را متوجه این جنبش ساخته است.

اکنون «دفتر تحکیم وحدت» بعنوان بخشی از این جنبش، آماج ضربات نیروهای زهر آگین قرار دارد. هدف آن است که برخورد انتقادی و اعتراض نسبت به سیاست‌های حاکم و تأکید بر استقلال را از این تشکل اصلاح‌گرا بگیرند. جنبش دانشجویی کشور که در قبال رخدادهای سیاسی و اجتماعی بمشابه وجدان بیدار جامعه عمل کرده، و نظام سیاسی موجود را از موضع مستقل مورد نقد قرار می‌دهد. به سامان نبودن ساختارهای سیاسی و حقوقی حکومت و عدم همسویی آن با آرمان‌های جنبش دانشجویی، بویژه سلطه استبداد و فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی در کشور به فاصله‌گیری مداوم دانشجویان از حکومت و به حساسیت و تشدید فعالیت‌های رادیکال در محیط‌های دانشجویی دامن زده است.

اکنون در کشور ما، نقد عملکرد قدرت، از سوی نظام و اعقاب آن، امری مذموم تلقی می‌شود. از همین رو حکومت واکنش

مستقلانه در قبال مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از طرف دانشجویان بر نمی‌تابد. سنت‌گرایان جبهه دوم خرداد به دنبال مطیع کردن دانشجویان در امور سیاسی و اجتماعی کشور می‌باشند. آنان بیش از هر چیز انفعال دانشجویان را طلب می‌کنند. این جریان قصد دارد وادادگی و بی‌هویتی سیاسی و اجتماعی را بر جنبش دانشجویی تحمیل سازد و فعالین آن را به انفعال سیاسی بکشانند.

جنبش دانشجویی از آن روی محافظه‌کاران و نهادهای قدرت را در وحشت افکنده که پیگیر مطالبات و خواست‌های عمومی مردم گشته است. زیرا همسویی این جنبش با مبارزات اجتماعی مردم به قصد بازسازی بنیادین نظام سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد، محافظه‌کاران و نیز سنت‌گرایان طیف دوم خرداد، از پیامدهای این موضوع بخوبی مطلع هستند. لذا محافظه‌کاران به دنبال انشقاق و تضعیف آن و نیز غیرسیاسی ساختن محیط‌های دانشجویی می‌باشند و در بهترین حالت ماساژات گرایان جبهه دوم خرداد، مطیع و دنباله‌رو ساختن دانشجویان از طرح‌ها و برنامه‌های خویش را در دستور دارند.

تکون این سناریو، جنبش دانشجویی را به ترک نقد سیاست‌های حکومت،

مداوم با مطالبات اجتماعی و امنیتی کردن محیط دانشگاه‌ها خواهد بود. محافظه‌کاران و نهادهای وابسته به قدرت از طریق عوامل خود و نفوذ آنان در بدنه تشکل‌های دانشجویی به دنبال تصفیه حساب و انتقام‌کشی از فعالین دانشجویی هستند. محافظه‌کاران که سناریوی سرکوب فعالین سیاسی را پی‌ریزی می‌کنند، اکنون ترکیبی از افراد را تحت نام دانشجو زیر پوشش قرار داده‌اند و در این ارتباط، امکانات حکومتی از جمله صدا و سیما، نیروی انتظامی و دستگاه قضایی را به خدمت گرفته‌اند. تا از این طریق فراکسیون نوگرایی دفتر تحکیم وحدت را که گام در راه استقلال جنبش دانشجویی گذاشته است، حذف و سرکوب قرار کنند و این تشکل اصلاح‌گرا را به دست عوامل غیردانشجو و وابسته به کانون‌های قدرت بپارند.

یکی از تازه‌ترین ابداعات این طیف غیردانشجویی، اقدام علیه دفتر تحکیم در نشست غیردمکراتیک شیراز می‌باشد، که با حمایت‌های گسترده از سوی محافظ وابسته به محافظه‌کاران روبرو شد. در این میان صدا

سحرگاه روز چهارشنبه ۱۹

فوریه، انسان خوب، هنرمند برجسته و مبارز پیگیر پروفیسور دکتر علی مینایی تبریزی در شهر بن آلمان دیده از جهان فروست. با درگذشت او ایران و بویژه آذربایجان هنرمندی برجسته و مبارزی دمکرات را از دست داد.

پروفیسور مینایی در سال ۱۳۰۲ در خانواده یکی از کوشندگان جنبش خیابانی چشم به جهان گشود. در نوجوانی به همراه دوستانش در مبارزات آزادی‌خواهان آذربایجان پیشه معلمی برگزیده و پس از اتمام دارالمعلمین تبریز در استراوا به تدریس پرداخت. با سقوط استبداد رضاشاهی و شروع

محافظه‌کاران قصد دارند فشار به فعالین دانشجویی را آنگذر افزایش دهند که آنان مجبور شوند صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی را ترک گویند. اکنون که دفتر تحکیم وحدت به دنبال راهیابی جهت برداشتن موانع و رفع مشکلات درونی خویش است، نباید اجازه دهد عناصر فرصت‌طلب و نهادهای قدرت ابتکار عمل را بدست گیرند، رفع مشکلات داخلی این اجتماع، تنها به دست اعضا و فعالین انجمن‌های دانشجویی وابسته به این تشکل امکان‌پذیر است. طیف نواندیش می‌باید بطور یک‌پارچه مانع مداخله و تاثیرگذاری جریانات بیرونی بر دفتر

دانشجویی وابسته به وزارت علوم نیز مجاز نیست در امور داخلی تشکل‌های دانشجویی مداخله کند. تنها مشارکت فعالانه همه انجمن‌ها در مجمع عمومی می‌تواند معضلات پیش رو را در یک فضای آرام و مسالمت‌جویانه مورد بررسی قرار دهد.

پایداری و وفاداری جنبش دانشجویی به مطالبات مردمی، موجب شده است که این جنبش هزینه سنگینی را برای ایفای نقش اجتماعی خود بپردازد. تأکید منطقی این جنبش بر نقش مستقل خویش و نقد پیگیرانه قدرت، این جنبش را در افکار عمومی مردم از احترام و جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد ساخت. شهروندان آگاه کشور ما، فعالین حقوق بشر، مطبوعات و احزاب و نهادهای مستقل و منتقد کماکان از جنبش دانشجویی انتظار دارند که در فرایندهای آتی کشور به نقش موثر و انتقادی و اعتراضی خود در قبال بافت قدرت ادامه دهد. این نیروها نیز موظفند مداوماً از عملکرد دمکراتیک و مستقل جنبش دانشجویی در مقابل استبداد حاکم دفاع قاطع به عمل آورند.

دکتر مینایی، هنرمند برجسته و مبارز دمکرات درگذشت

جنبش توده‌ای به حزب توده ایران پیوست و فعالانه کوشید و به همین سبب از سوی مجلس ملی به دریافت مدال ۲۱ آذر نایل شد.

پس از شکست نهضت آذربایجان دکتر مینایی نیز همچون بدون ناگزیر از مهاجرت و استقرار در آذربایجان توده‌ای گشت. وی در کنار فعالیت سیاسی، در سال ۱۹۳۵ دانشکده معماری را با درجه مهندسی به پایان برد و هفت سال بعد موفق به دریافت درجه دکترای علوم و سپس پروفیسوری در رشته تاریخ هنر از دانشگاه‌های تقلیس و مسکو گشت.

پروفیسور مینایی در سال‌های ۱۹۷۴ - ۱۹۵۸ در انستیتیوی تاریخ هنر در آکادمی علوم جمهوری شوروی آذربایجان به کار پرداخت. او در سال ۱۹۷۳ - پس از سقوط رژیم سلطنتی در عراق - و با دعوت دولت جدید آن کشور به عراق رفت و در دانشگاه بغداد به تدریس پرداخت. او در کنار فعالیت سیاسی، علمی و هنری، کار در رشته معماری را نیز ادامه داد. ساختمان اپرای دولتی بغداد محصول تلاش او بود. استاد مینایی ۱۴ سال پایانی عمر خویش را به عنوان پناهنده سیاسی در آلمان بسر برد.

تخصص اصلی استاد مینایی در سیناتور و نقاشی بود. آثار برجسته‌ای از او هم‌اکنون در موزه‌های آذربایجان و گرجستان و عراق نگهداری می‌شوند. کتاب‌های بسیاری در اتحاد شوروی، عراق و اروپا با طرح‌های او منتشر شده‌اند. پروفیسور مینایی تمام دانش، استعداد، هنر و انرژی خود را

ادربایجان - و سایر ملل تحت ستم در ایران - دغدغه خاطر جدی او بود و تلاش برای پایان دادن در این ستم اصلی آثار او بود. تابلوهای آب‌باز، کوراوغلو، ستارخان، خیابانی و صدخا اثر دیگر نشانه عشق او به مردم زادگاه خویش بود.

سوزهای او نشانگر دیدگاه‌های او هستند. او در مبارزه به خاطر وضع ستم ملل، نه راه مسلط‌پرستی بلکه طریق دموکراتیک و انسان‌دوستی را گزیده بود. بخشی از آثار او به نشان دادن و تحکیم برادری ملت‌های ایران اختصاص یافته‌اند. تابلوی (به ملت کرد)، (فریاد) (به ملت بلوچ و «هفت برادران») (به‌عنوان نشانه برادری ملت‌های ساکن ایران) از این نظر شایان توجه‌اند. آخرین اثر او تصاویر کتابی است که اخیراً به زبان کردی منتشر شده است. با این همه شاهکار مینایی مجموعه جاودانه «نگاه‌های حیدرپایا» است که باید محصول تمام عمر او محسوب کرد. این اثر منحصر به فرد با توافق استاد شه‌ریار تهیه شده است.

از استاد مینایی علاوه بر تابلوهای تحسین‌برانگیز، نوشته‌های بسیاری برجای مسانده‌اند که در «سیماهای بوته‌تیک در هنر گرافیک ایران» (چاپ باکو ۱۹۶۳) برگ‌هایی از تاریخ معماری و هنرهای ظریفه آذربایجان ایران (از آغاز قرن ۱۹ تا دهه هفتاد قرن ۲۰) از آن

جمله‌اند. در آرشیو هنرمند فقید مقالات و طرح‌های بسیاری وجود دارند که هنوز به چاپ نرسیده‌اند...

زنده یاد پروفیسور مینایی در طول ده سال زندگی سخت در مهاجرت همواره با عشق میهن زیست. لحظه‌ای از مبارزه با رژیم شاه و جمهوری بازنایستاد و هرگز حاضر نگشت را بر منافع مردم خود مقدم شمارد. او به خاطر همین روحیه سال‌ها در اتحاد شوروی مورد بی‌مهری و غضب بود. استاد مینایی علیرغم مقام علمی خویش، انسانی بسیار فروتن و دولتی فوق‌العاده مهربان بود. او تا لحظه مرگ از آفرینش هنری و فعالیت آزادی‌خواهانه بازنیاستاد. پایداری او مشوق هم‌زمان جوانش بود. او با جوش و خروش جوانان زندگی‌ای دوباره می‌یافت. درگذشت او ضایعه‌ای برای مردم ایران و بویژه نهضت دمکراتیک آذربایجان است. پادش گرامی باد.

اخبار کوتاه

اعتراض به بالا بودن تعرفه‌های برق

جمعی از شهروندان وحدتیه استان یوشهر در اعتراض به بالا بودن تعرفه و صدور قبض‌های با نرخ زیاد در مسجد ولی‌عصر این شهر تجمع کردند. آنان در حالی که قبض‌های برق مصرفی مساهلهای آذر و دی امسال منازل و مغازه‌های خود را در دست داشتند ارقام درج

غیرواقعی و دور از انتظار اعلام کردند. این تجمع اعتراض آمیز پس از دو ساعت با حضور برخی از اعضای شورای اسلامی و مذاکره با تجمع‌کنندگان برای حل مشکلات آنان از طریق قانونی پایان یافت.

اعتصاب جمعی از معلمان اصفهان

۶۰ واحد آموزشی در اصفهان به دلیل عدم حضور معلمان در کلاس‌های درس به حال تعطیل درآمدند. معلمان این مدارس در اعتراض به مشکلات صنفی خود از حضور در کلاس‌های درس خودداری کردند. در خمینی‌شهر نیز دو دبیرستان و یک هنرستان به دلیل خودداری معلمان از حضور در کلاس‌های درس تعطیل شدند.

شماری از معلمان مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان شهید رجایی اصفهان هم نسبت به آنچه که مشکلات معیشتی نامیدند، در محوطه این مرکز تجمع کردند. اجتماع‌کنندگان که حدود ۲۰۰ نفر برآورد می‌شدند در اعتراض به پائین بودن حقوق خود تجمع اعتراض آمیزی بر پا کردند. تسعدادی از معلمان شهرستان فارس در استان

چهارمحال و بختیاری نیز در محل اداره آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند. این عده که تعدادشان به ۴۰۰ نفر می‌رسید از معلمان مدارس شهرهای فارس، جومقان و بابااحیدر در محدوده این شهرستان بودند.

روستائیان جاده اهواز اندیشک را بستند

محور اهواز - اندیشک به دنبال اعتراض مردم روستای «الهایی» در چهل کیلومتری اهواز توسط اهالی مسدود شد. تعداد زیادی از اهالی روستای «الهایی» به دنبال وقوع حادثه تصادف بین یک موتورسیکلت و یک خودروی سواری با آتش زدن لاستیک مانع عبور خودروها از این محورها شدند.

اهالی روستای «الهایی» نسبت به عدم اجرای طرح چهار بانده کردن محور سراسری اهواز - تهران که در محدوده روستای آنها بطور کامل اجرا نشده است اعتراض داشتند. آنها دو ساعت جاده را بستند.

شنود تلفن‌های نمایندگان

اخیراً در دیداری که تعدادی از نمایندگان مجلس از مرکز مخابرات داشته‌اند مسجل شده است که تلفن‌های همراه نمایندگان شنود می‌شود. یکی از نمایندگان جناح اصلاح طلب مجلس شورا به خبرنگاران نشان داد که دستگاه تلفن همراه او چگونه شنود را در صفحه نمایش خود نشان

کمیته امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس برای بررسی مسئله «شنود غیرقانونی» تلفن کمیته‌کساری تشکیل داده است. اعضای کمیته مزبور تاکنون در جلسات خود با مسئولان وزارت پست و تلگراف و تلفن از جمله وزیر مربوطه تحقیقاتی را در این زمینه انجام داده است.

قرارداد در آینده

نزدیک این کمیته در جلسه‌ای با قاضی شنود، صحت و سقم موارد احتمالی از «شنودهای غیرقانونی» را مورد بررسی قرار دهد. اعضای این کمیته بر این اعتقادند که بررسی‌ها احتمالاً منجر به ارائه طرح یا لایحه‌ای برای قانونمند کردن شنود و جلوگیری از شنود غیرقانونی خواهد شد.

شکایت یک دانشجوی رپوده شده

مهدی فخرزاده یکی از دانشجویان رپوده شده که اخیراً آزاد شده است در شکایتی به کمیسیون اصل ۹۰ خواستار رسیدگی به وضعیت خود شد. فخرزاده در نامه خود به این کمیسیون با اشاره به نحوه ربودن خود در خیابان نوشته است: یکی از افرادی که در صفحہ ۶

خسرو باقرپور

آوای چهار ستاره‌ی روشن، چهار زن!

روز هشتم ماه مارس از راه رسیده است. این روز، روز زن است. در این مورد هم زنان و هم مردان بسیار نوشته‌اند. از آرزوهای برابر طلبانه، هم‌سنگ خواهانه و عدالت‌پژوهانه‌ی این نیمه‌ی نازنین پیکر بشری بسیار سخن به میان رفته است. از رنج‌ها، تالما، ناروایی‌ها و نابرابری‌هایی که در گوشه گوشه‌ی این جهان پر «نیمه‌دیگر» گذشته است بسیار گفته و نوشته شده است. به پیوندگسست‌ناپذیر بین میزان و سنجش آزادی، رشد فکری و فرهیختگی و فرهنگی جوامع با امر آزادی و حرمت فطری زن نیز به فراوانی «سخن» به میان رفته است، و بی هیچ شک و تردیدی تا همین خورشید رهایی زن، این مهربانوی انسان‌خدا، همنی مهرباوران، عدالت‌پژوهان، و یک‌اندیشان عالم، دست از این پیکار نخواهند کشید و رزم و نبرد بی‌امان بشر را تا تحقق کامل حقوق در خور زن ادامه خواهند داد. نگارنده در این مقال قصد انبساط و تاکید بر مواردی را که فوق‌ترجیح شد ندارد و پرداختن نام و نام و خودمندان‌هی آن را به اهل خویش وای می‌گذارد، اما تحفه‌ای را که در این مقام قصد پیشکش آن دارد، سرکشیدن به درون تالارهای روشن و عبور از دل‌های پاک و پرتوانی زانی است که به انسان و دردهای او، شوکت و دل‌تاز او و آرزوهای رویاهای بیکران او پرداخته‌اند، مرغ خیال را با شوری زنانه پرواز داده‌اند، و از درون دل پر توانه و لطیف زن شعر سزوده‌اند، چهار زن را برگر بدهام تا در روز مبارک هشتم ماه مارس خود از رویا و آرزوهای و خیال‌سرایند. این چهار زن به چهار نسل متفاوت و بی‌شک به چهار نسل‌هی اندیشه‌گی مختلف و چهار نگرش شعری گونه‌گون تعلق دارند، اما در شور و لطافت، شیوایی بیان و پاکیزگی زبان و پرواز شورانگیز در آسمان بی‌کرانه‌ی خیال مشترکند. آنان شاعرند و بنامبران زمینی زبان و خیالند که خدای شعر آنان را با فصاحتی تحسین آمیز گویا کرده است. دو تن از ایشان در گذشته‌اند و دو تن دیگر آرزوی می‌کنیم عمرشان دراز باشد. این چهار زن که سروده‌هایی از آنان در این جا آورده می‌شود، به ترتیب عبارتند از:

فاطمه خانم، یازارین تاج ملقب به ظاهره قره‌العین، سیمین بهبهانی، فروغ فرخ‌زاد و زیبا کرباسی.

طاهره قره‌العین

گر به تو افتدم نظر!

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو
شرح دهم غم ترا نکته به نکته مو به مو
از پی دیدن رخت همچو صبا فتادم
کوچه به کوچه، در پی در، خانه به خانه، کو به کو
دور دهان تنگ تو، عارض غم‌ترین خطت
غنچه به غنچه، گل به گل، لاله به لاله، بو به بو
می‌رود از فراق تو خون دل از دو دیدم
دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو
مهر ترا دل حزین بافته بر قماش جان
رشته به رشته، نخ به نخ، تار به تار، یو به یو
در دل خویش «طاهره» گشت و نجست جز
ترا
صفحه به صفحه، لا به لا، پرده به پرده، تو به تو

زلف به هم شکسته ای!

در ره عشقت ای صنم، شیفته‌ی بلا منم

چند مغایرت کنی؟ با غمت آشنا منم
پرده به روی بسته‌ای، زلف به هم شکسته‌ای
از همه خلق رسته‌ای، از همگان جدا منم
شیر تویی، شکر تویی، شاخه تویی، ثمر تویی
شمس تویی، قمر تویی، ذره منم، هیا منم
نخل تویی، رطب تویی، لعبت نوش لب تویی
خواجگی با ادب تویی، بنده‌ی بی‌حیا منم
کعبه تویی، صنم تویی، دیر تویی، حرم تویی
دلبر محترم تویی، عاشق بی‌نوا منم
شاهد شوخ دلبراً گفت به سوی من بیا
رسته ز کبر و از ریا، مظهر کبریا منم
طاهره خاک پای تو، مست می‌لقای تو
منتظر عطای تو، معترف خطا منم.

سیمین بهبهانی

آه! عشق ورزیدم

آه! عشق ورزیدم، با چگونه حیوانی
در چگونه کابوسی یا چگونه هذیانی!

فروغ فرخ‌زاد

تنها صداست که می‌ماند

چرا توقف کنم، چرا؟
پرنده‌ها به جستجوی جانب آبی رفته‌اند
افق عمودی است
افق عمودی است و حرکت: فوار دوار
و در حدود پیش
سیاره‌های نورانی می‌چرخند
زمین در ارتفاع به تکرار می‌رسد
و چاه‌های هوایی
به نقب‌های رابطه تبدیل می‌شوند
و روز وسعتی است
که در میخالی تنگ کرم روزنامه نمی‌گنجد
چرا توقف کنم
راه از میان مورگ‌های حیاط می‌گذرد
کیفیت محیط کشتی زهدان ماه
سلول‌های فاسد را خواهد کشت
و در فضای شیمیایی بعد از طلوع
تنها صداست
صدا، که جذب دردهای زمان خواهد شد
چرا توقف کنم؟
چه می‌تواند باشد مرداب
چه می‌تواند باشد جز جای تخم‌ریزی
حشرات فساد
افکار سردخانه را چنان‌زده‌های باد کرده رقم
می‌زند
نارمه، در سیاهی
فقدان مردی‌اش را پنهان کرده است
و سوسک... آه!
وقتی که سوسک سخن می‌گوید.
چرا توقف کنم

همکاری حروف سربی بیهوده‌ست.
همکاری حروف سربی
اندیشه‌ی حقیر را نجات نخواهد داد
من از سلاله‌ی درختانم
تنفس هوای مانده ملولم می‌کنند
پرنده‌ای که مرده بود به من پند داد که پرنده
را به خاطر بسپارم!
نسبیت تسامی‌ی نیروها پیوستن است،
پیوستن
به اصل روشن خورشید
و ریختن به شعور نور
طبیعی است
که آسیاب‌های بادی می‌پوسند
چرا توقف کنم؟
من خوشه‌های نارس گندم را
به زیر پستان می‌گیرم
و شیر می‌دهم
صدا، صدا، تنها صدا
صدای خواش شفاف آب به جاری شدن
صدای ریزش تور ستاره بر جدار سادگی
خاک
صدای انعقاد نطفه‌ی منعی
و بسط ذهن مشترک عشق
صدا، صدا، صدا، تنها صداست که می‌ماند
در سرزمین قدکوتاها
معیارهای سنجش
همیشه بر مدار صفر سفر کرده‌اند
چرا توقف کنم؟
من از عناصر چهارگانه اطاعت می‌کنم
و کار تدوین نظامنامه‌ی قلم
کار حکومت محلی‌ی کوران نیست
مرا به روزی دراز توحش
در عضو جنسی حیوان چکار؟
مرا به حرکت حقیر کرم در خلاء گوستی
چکار؟
مرا تبار خونی گل‌ها به زیستن متعهد کرده
است
تبار خونی گل‌ها، می‌دانید؟
زیبا کرباسی
پرسیدی بی تو چونم؟ هان؟!
بی تو بی تو بی تو
می‌چرخم
می‌چرخم در آتش و باد
چلز و ولز می‌شوم
تلو تلو می‌خورم
می‌افتم
می‌افتم
از پا همینجا

بعضی از آوارگانی که سرپناه و امکانش
نی‌یافتند، تمام روز را به عنوان مسافر، در
اتوبوس‌های شهری سر می‌گردند. همان‌جا
چرتی می‌زنند و در مقصد پیاده شده سوار خط
واحد دیگری می‌شوند و به سفر بی‌پایان و
هولناک خود ادامه می‌دهند. برخی دیگر
اتوبوس‌های راه دور را ترجیح می‌دهند. مثلاً با
اتوبوس شهر از تهران به شیراز حرکت
می‌کردند و صبح روز بعد، خسته و داغان سوار
اتوبوسی دیگر شده به تهران باز می‌گشتند!
عددهای دیگر به عنوان کمک‌راننده‌ی کامیون در
جاده‌های کشور سرگردان بودند. دوست از
دوست و رفیق از رفیق رویگردان بود. اگر دو
دوست یا رفیق یکدیگر را تصادفی در خیابان
می‌دیدند، خود را به راهی دیگر می‌زدند.
تبلیغات زهرآگین رژیم از طریق رسانه‌های
جمعی بر سر ملت می‌بارید. آنان مرتب از لو
رفتن واحدها و دستگیری افراد موثر سازمان‌ها،
و از شکستن آنان در زندان‌ها خبر می‌دادند.
حکومت با انتشار اطلاعیه‌های پیاپی از
«فهرست خوردگان» می‌خواست دست از
خودسری و مقاومت بکشند و خود را تسلیم
سواامی رژیم کنند. تواب‌گردانی یکی دیگر از
شیوه‌های رژیم‌های دیکتاتوری است که برای به دام
انداختن مقاومتین بود. تعدادی از دستگیرشدگان
که به تمامی در زیر شکنجه‌های ددمشانه‌ی
حکومت اسلامی شکسته شده بودند، در
اتومبیل‌های گشت، در میان ساموران امنیتی
می‌نشستند. این اتومبیل‌های شخصی یا دولتی
در کوچه‌ها و خیابان‌ها به حرکت در می‌آمدند تا
اگر تواب، فرد مبارزی را در میان عابران
تشخیص داد، معرفی کند. سواای این، برخی از
دستگیرشدگانی که در همان روزهای نخست،
شکسته و تسلیم شده بودند، همراه ساموران
امنیتی سر قرارهای باطل تشده‌ی خود با
دیگران می‌رفتند و به این طریق، فرد جدیدی به
دام می‌افتاد. مراسم مبارزی را در میان عابران
مملکت به راه افتاده بود. هرکس می‌کوشید کتب
و جزوات سیاسی را از خود دور کرده و به
موقعیت خود حالتی معمولی و غیرسیاسی بدهد.
در گوشه و کنار خیابان‌ها و کوچه‌ها، در

زیباله‌دانی‌ها و در کنار جاده‌ها می‌شد
کتاب‌های سیاسی فراوانی را دید که پخش و پلا
شده، در باد و باران ورق می‌خورند. هرکس به
نفر بغل دستی خود به دیده‌ی شک
می‌نگریست. در این میان، عده‌ای هم دل به
دریا زده، سرگرم پناه دادن و پنهان کردن افراد
متواری بودند. اینان، کمترین امکان خود را نیز
به احزاب و سازمان‌های زیرضرب اطلاع
می‌دادند تا مورد استفاده قرار گیرد. مرکزیت
حزب و سازمان دچار سرگیجه‌ی سیاسی شده
بودند و نمی‌دانستند چگونه با خط‌اسام و
چنایاتش روبرو شوند. آنان که طی چند سال،
«دفاع از خط‌اسام» را برای خود و جامعه
تئوریزه کرده بودند، اینک که اوضاع به سرعت
تغییر کرده بود (یا بهتر است گفته شود، ماهیت
اصلی حکومت آشکارتر شده بود) نمی‌دانستند
که چه باید بکنند؟! اعضا و هوادارانی که چشم
به دهان رهبران سیاسی خود دوخته بودند تا
تحلیلی تازه از اوضاع دریافت کنند و تکلیف
خود را با سازمانشان و با حکومت بدانند،
شبهات به کسانی داشتند که صدها دور به گرد
خود چرخیده و اینک گپیج و تلوتلوخوران در
میدان رها شده‌اند. به زودی، برخی از رهبران
حزب با جسم و روحی شکسته در تلویزیون به
نمایش گذاشته شدند و «اعتراف» کردند که
«گمراه و جاسوس» بوده‌اند. آنان از نیروهای
مقاوم می‌خواستند که خود را تسلیم حکومت
کرده و حزب و سازمانشان را منحل نمایند.
«اطلاعات بیست میلیون» حکومت هم با چهل
میلیون چشم و چهل میلیون گوش، تمامی
زویای زندگی مردم را مراقبت می‌کرد و به
حکومت گزارش می‌داد.
در چنین اوضاعی، من برای ربابه پیغام دادم
که پسرمان نیما را برداشته و به من در مخفیگاه
بپیوندد. از او خواستم که دخترم غزل را که به
مدرسه می‌رفت به خانواده‌ام تحویل بدهد. ما
نمی‌توانستیم او را با خود جابه‌جا کنیم. چون
حکومت می‌توانست از طریق او که به ناچار
باید به مدرسه‌ای می‌رفت، رد ما را پیدا کند.
ادامه دارد

فرازهایی از جلد دوم خشت و خاکستر نوشته مانی مراسم تدفین کتاب

بخش دوم

در تهران

در تهران به خانه‌ی «حسین» رفتم. او یکی از
بهترین دوستان من بعد از انقلاب بود. بعد از
چاپ چند شعر من در نشریه‌ی ادبی «بازار» که
در رشت منتشر می‌شد، حسین نامهای خطاب به
من و به آدرس نشریه فرستاده بود که بعداً به
دست من رسید و باب مکاتبه بین ما گشوده شد.
به دیدار هم شتافتم و رشته‌های دوستی بین ما
محکم و گسترده شد. در آن موقع هر دوی ما از
هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
بودیم، و همین کمک می‌کرد تا در چنین
اوضاعی به هم نزدیک‌تر شویم. در پاباری یا او
دوستی خانوادگی داشت و من با رفتن به خانه‌ی
حسین، در واقع به یکی از مراکز تصمیم‌گیری
سازمان نزدیک می‌شدم و می‌توانستم سریع‌تر
از معمول با سازمان تبادل‌نظر و مشورت کنم.
در پاباری را دیدم. قرار گذاشتیم ترتیب آمدن
ربابه و پیدها را هم به تهران بدهیم. او قول داد
هر کمک و امکانشی را که بخواهم و در توان
تشکیلات باشد در اختیارم بگذارد. هم او و هم
تشکیلات در خطر بودند. بسیاری از اعضا و
هواداران سازمان آواره، و در حال جابه‌جایی
بودند.

بودند سازمان‌هایی انقلابی که پیش از ما زیر
تیغ هزار دم جمهوری مالاها قرار گرفته بودند، و
با مقاومتی جانانه به نبرد خود با حکومت ادامه
می‌دادند. بسیاری از آن مبارزان، در راه
آرمان‌های انسانی و انقلابی خود کشته شده
بودند، یا به مراتب بیش و بیشتر از همانندان من
رنج و دشواری، خطر و دربدری را زیسته
بودند.
در آن روزها بسیاری از امکانات سازمان لو
رفته و یا زیر نظر واحدهای امنیتی بودند.
سازمان در حال جابه‌جا کردن رهبران، کادرا و
اعضا خود بود. در چنان اوضاعی، یافتن امکان
امن و پایدار برای یک خانواده‌ی شهرستانی
آسان نبود. اما دیر چنیدن نیز باعث لو رفتن
می‌شد و هر لورفتنی ممکن بود به زنجیره‌ای از
لورفتن‌های دیگر منجر گردد. آن هم در
سازمانی که براساس اعتماد نسبی به «حکومت
انقلابی و خط امام»، خود را برای چنین وضعیتی
آماده نکرده، و بسیاری از افراد و امکاناتش را
علنی کرده بود. در آن اوضاع و احوال، سازمان
برای سروسامان دادن به نیروهای خود و خارج
کردن آن از زیر ضربه‌های هولناک حکومت نیاز
به حرکت بیشتری داشت. از سوی دیگر، جو
شدیدا پلیسی حاکم بر کشور و ترس، تردید و
بلاکلیفی سیاسی نیروهای سازمان، تحرک
تشکیلاتی را دچار اشکال جدی می‌کرد. گفته
می‌شد گروهی از توده‌ای‌ها برای معرفی خود،
جلوی مراکز امنیتی و پلیسی صف کشیده بودند.
گروهی از این افراد هرگونه اطلاعاتی از حزب
خود و از سازمان برادر (فدائیان اکثریت)
داشته‌اند، در اختیار حکومت می‌گذاشتند. از آن
جایی که معلوم نبود کدام یک از اعضا و
هواداران حزب توده بریده و کدامیک بر سر

مواضع خود مانده‌اند، هرکسی که رفت‌وآمد و
رابطه‌ای با آنان داشت، خود را لو رفته
می‌پنداشت. اعضا و هواداران مقاوم این حزب
که سر تسلیم شدن نداشتند، آواره شده و بعضاً
در خیابان‌ها و بیابان‌ها روزگار می‌گذراندند.
پیش از این، همین بلا بر سر سایر احزاب و
سازمان‌های چپ و راست مخالف حکومت آمده
بود و لذا بسیاری از افراد و خانواده‌های مبارز،
در سوراخ سنبه‌های شهرها و روستاها پنهان
شده بودند. به رغم همروندی کلی در
سیاست‌های حکومت، حزب و سازمان، بسیاری
از اعضا و هواداران این دو جریان به شدت
ناراضی بودند و با سیاست‌های جاری در
تشکیلات خود همخوانی نداشتند. لذا در
بجوبه‌ی بگیر و ببندهای قبلی، اینگونه افراد به
اعضا و هواداران سازمان‌های زیرضرب،
کمک می‌کردند تا از تور ماموران امنیتی رژیم
بگریزند. من زمانی به تهران رفتم که در
بسیاری از خانواده‌ها، یک فرد فراری، لو رفته،
زندانی یا زیر نظر وجود داشت. افرادی که
نمی‌خواستند خود را تسلیم حکومت کنند، کار،
خانواده، خانه و شهر خود را ترک کرده، در داخل
و خارج از ایران، پناه‌گاهی می‌جستند. خوابیدن
در بوهوله‌ها، در بیابان‌های اطراف شهر، در
کوچه‌ها و دره‌ها، زیر پل‌ها و حتی در بشکه‌های
زباله، امری عادی شده بود. به ویژه شب‌ها که
تمامی نقاط ارتباطی تهران توسط گشت‌های
متعدد مسلح و کنجکاو حکومت به شدت کنترل
می‌شد، سرگردان ماندن و برای هر حرکت و
جابه‌جایی خود، توجیه مناسبی یافتن، کار
آسانی نبود. اغلب متواریان برای خود هویتی
جملی درست کرده بودند تا در برخورد با
گشتی‌های حکومت، شناخته و دستگیر نشوند.

اظهارنظرات پیرامون پیوستن ایران به کنوانسیون جهانی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان



جهانی ارائه کنیم.

جمیله کدیور

جمیله کدیور در مصاحبه با خبرنگار ایسنا اظهار داشت: «شرط کلی ممکن است تا حدودی از اعتراضات داخلی و تبلیغات خارجی جلوگیری کند، اما تأمین‌کننده هدف کلی که کنوانسیون برای آن شکل گرفته یعنی «بهبود وضعیت زنان» نخواهد بود.

الیه گولابی

دکتر الیه گولابی زاویه دیگری را مطرح نمود. به نظر او پیوستن به کنوانسیون مسیری مناسب برای اصلاح قوانین داخلی کشور است. به گفته وی: «ابتدا به کنوانسیون می‌پیوندیم، بعد جامعه بین‌المللی به ما فشار می‌آورد که فکری به حال تعارض قوانین داخلی‌تان با کنوانسیون بکنید، بعد ما درست در لحظه‌ای که کم مانده زیر این همه فشار له شویم. رضایت می‌دهیم که قوانین تبعیض‌آمیز را اصلاح کنیم.»

اظهار نظر مخالفین پیوستن ایران به کنوانسیون

عده‌ای نگران همین وضعی هستند که الیه گولابی ترسیم کرد و لذا مخالف پیوستن ایران به این کنوانسیون می‌باشند.

زهرا آیت‌اللهی عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان می‌گوید: «بر چه اساسی باید قوانین داخلی کشور تغییر یابد؟» او پیشنهاد می‌دهد که به جای الحاق به کنوانسیون، پرچمدار حرکت گسترده‌ای در کشورهای اسلامی برای تدوین اعلامیه حقوق زنان شویم. **زیسبایی نژاد** رئیس دفتر مطالعات و تحقیقات زنان قم هم خود را نماینده جمعی می‌داند که اساساً با پیوستن به کنوانسیون مخالف هستند او می‌گوید: «امتیازات خاصی که کنوانسیون به زنان داده، چون در راستای الگوی برابری زن و مرد است و چارچوب الگوی بسیاری برای جامعه بویژه زنان خواهد داشت.» او پیشنهاد می‌کند که بجای «الگوی برابری» از «الگوی مبتنی بر تناسب» استفاده شود.

می‌نماید که در جهت تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برابردارند تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست‌ندگری یا برتری یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است، گام بردارند. رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، حقوق یکسان در مورد آزادی انتخاب مسکن و اقامتگاه، برابری زنان و مردان در کلیه زمینه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی، اعطای حقوق سیاسی برابر با مردان از مواد دیگر کنوانسیون است.

کشوری به کنوانسیون نپیوسته، آزاد است و حق انتخاب دارد و هیچگونه مجازات بین‌المللی برای آن نمی‌تواند منظور شود. اما نپیوستن کشوری به کنوانسیون، مخصوصاً آنهایی که به نوعی به حقوق بشر مربوط می‌شود از جمله رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نوعی وجهه منفی در افکار عمومی جهانی ایجاد می‌کند.»

وی در مورد گذاشتن «شرط کلی» گفت: «... نوعی به حقوق بشر مربوط می‌شود از جمله رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نوعی وجهه منفی در افکار عمومی جهانی ایجاد می‌کند.»

وی در مورد گذاشتن «شرط کلی» گفت: «... اگر ما بطور کلی اجرایی کنوانسیون را موکول به موافقت با قوانین داخلی خود کنیم این یک شرط نادرست است. یعنی ما به کنوانسیون می‌پیوندیم اما هر وقت خواستیم، قوانین آن را اجرا نمی‌کنیم. شرط باید مشخصاً اعلام شود. موارد آن دقیقاً قید شود و ضمناً اصول بنیادین در تضاد نباشد. مثلاً فرض کنید که در این کنوانسیون بگویند اصلی را که برابری زن و مرد را مورد تأکید قرار می‌دهد، قبول نداریم پس چرا می‌قبول دارید؟ این یک اصل بنیادین است...»

شادی صدر

شادی صدر روزنامه‌نگار و حقوق‌دان در بزرگداشت روز جهانی زن که در دانشکده فنی دانشگاه سمنان برگزار شد اظهار داشت: علت نپیوستن ایران به این کنوانسیون عدم وجود یک مرجع قانونی برای وضع قوانین شرعی است که تعهدات ما را به دولت‌ها مهیم و نامشخص کرده است. وی با اشاره به اختیارات شورای نگهبان تصریح کرد: شورای نگهبان می‌تواند یک قانون را مخالف یا موافق موازین شرع اعلام کند ولی نمی‌تواند آن را وضع کند. وی ادامه داد: ایران دیر یا زود به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان خواهد پیوست و حتی اگر کنوانسیون با حسین شکل فعلی به تصویب برسد بزرگ‌ترین کاری است که در چند سال اخیر در مورد حقوق زنان اتفاق افتاده است. بدین ترتیب مبنایی با استاندارد جهانی خواهیم داشت که ما را مجبور می‌کند حداقل هر سه سال یک بار گزارش را به مراجع

چندی پیش زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان اعلام کرد: هیات دولت با لایحه پیوستن جمهوری اسلامی به کنوانسیون جهانی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان موافقت کرده است.

به گفته وی این لایحه پس از ارسال دومین یادداشت کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل از سوی هیات دولت مورد تصویب قرار گرفته و براساس مصوبه دولت، الحاق ایران به کنوانسیون فوق به شرط مغایر نبودن اصول آن با موازین شرع اسلام امکان‌پذیر خواهد بود.

این لایحه از طرف دولت به مجلس شورا ارائه شد و بدون هیچ تغییری به تصویب کمیسیون فرهنگی مجلس رسید. لایحه مزبور از جانب کمیسیون فرهنگی جهت تصویب به مجلس ارائه گردید. هنوز سرنوشت این لایحه مشخص نیست. به گفته گزارشگر مجله زنان اگر این لایحه به تصویب مجلس برسد با سد شورای نگهبان روبرو خواهد شد به سد شورای نگهبان برخودا خورد چرا که «شورای عالی انقلاب فرهنگی» در یکی از مصوبات خود الحاق ایران به این کنوانسیون را رد کرده است و شورای نگهبان «سیاست‌های کلی نظام» و مصوبات «شورای عالی انقلاب فرهنگی» را نیز مبنای برخورد خود قرار می‌دهد.

قید شرط کلی در این لایحه در هفته‌های گذشته بازتاب وسیعی در بین طرفداران حق برابری زن و مرد داشت و به اظهارنظرهای مختلف انجامید که در زیر برخی از آنها را منعکس می‌کنیم:

شیرین عبادی

شیرین عبادی در گفتگوی مفصل با روزنامه نروز اظهار داشت: «وقتی کنوانسیون تصویب می‌شود هر کسی آزاد است که به آن پیبوندند یا بدان ملحق نشود. اما وقتی پیوست، باید مفاد آن را اجرا کند. در صورت عدم اجرا متخلف شناخته می‌شود و تخلف از اجرای کنوانسیون موجب می‌شود که در مراحل اولیه به کشورها برای اجرای تعهدات بین‌المللی تذکر دهند، بعد اخطار می‌کنند و در مراحل بعد ممکن است به تحریم اقتصادی بر حسب تصمیم مجمع عمومی هم بینجامد. بنابراین تا زمانی که

در باره کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

کنفرانس رفع هرگونه تبعیض علیه زنان که ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ تصویب و از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شده است در حال حاضر ۱۶۸ عضو دارد. ۴۴ کشور از ۵۶ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی هم این کنوانسیون را پذیرفته‌اند. کنوانسیون تبعیض علیه زنان را چنین تعریف میکنند: «... هرگونه تمایز، استثناء (محرومت) یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال حقوق

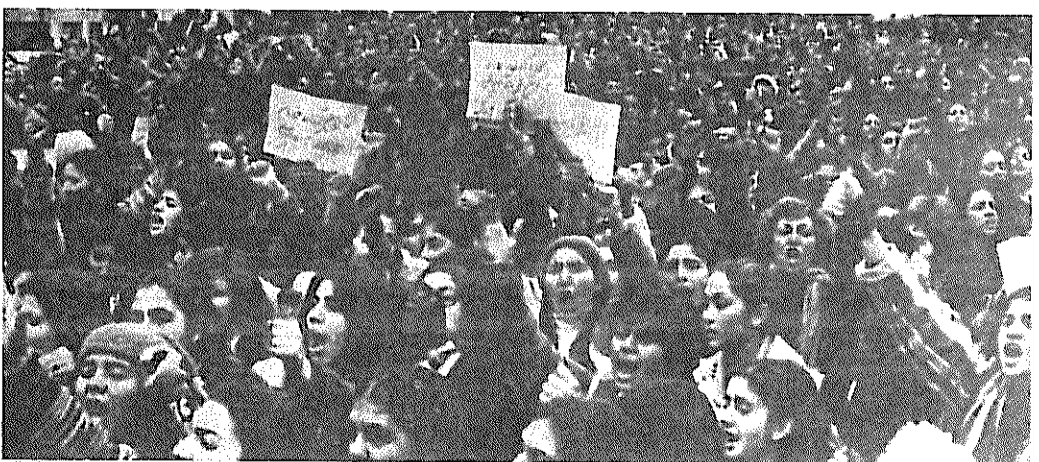
بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هرگونه زمینه دیگر علیه زنان صرف‌نظر از وضعیت زناشویی ایشان... باشد. کنوانسیون برقراری برابرقوتی میان زن و مرد از طریق «گنجاندن اصل مساوات در قانون اساسی»، «تصویب قوانین مناسب»، «اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان» و «فسخ قوانین تبعیض‌آمیز» را تنها یکی از تعهدات دولت‌ها می‌داند. علاوه بر این کنوانسیون دولت‌ها را ملزم

در طول هزاران سال نقشی زن از ادبیات ما حذف شده است

در طول هزار سال ادبیات ما حذف شده و تنها شهزاد را می‌توان دید که مادر همه قصه‌گویان هزار و چند ساله این سرزمین است. وی در زمینه کاستی‌ها در سینمای زن اظهار داشت: هشتاد سال است که سینما داریم، اما هنوز درگیر کلیشه‌های اولیه هستیم، حال آن‌که در اثری مثل همشهری کین ۴۵ سال پس از تولد سینما، شخصیت پردازی زن در حد کمال است.

ایران که در حاشیه برگزاری جشنواره فیلم «باران» در خانه هنرمندان سخنرانی می‌کرد، ضمن بیان این مطلب افزود: در سال‌های قبل از انقلاب، زنان نقش مهمی در تئاتر جدید داشتند و تازه حرکتی در فیلم‌سازی زنان آغاز شده بود و در زمان نویسی هم زنان نشان دادند که در هیچ جاکمتر از مردان نیستند. بیضایی همچنین گفت: نقش زن و نگاه زنانه

امروز دورانی را می‌گذرانیم که شکل سینما و حضور زن در آن تفاوت بسیاری بنا گذشته دارد و با وجود کارگردانان زن زیادی که در سینما داریم، دیگر سرزبندی دقیقی بین سینمایی که زنان می‌سازند و سینمایی که توسط مردان درباره زن ساخته می‌شود وجود ندارد. بهرام بیضایی کارگردان باسابقه سینمایی



لایحه‌ای علیه حقوق زنان!

مشروط کردن اصول کنوانسیون به قوانین شرعی

در حقیقت بجای رفع تبعیض به تقویت آن می‌انجامد

عفت ماهباز

و این بار یعنی در ۱۷ دی ۱۳۸۰ دولت آقای خاتمی در واقع دولتی که حداقل دین بزرگی نسبت به زنان مملکت دارد. بار دیگر این چنین لایحه‌ای را تحویل مجلس دادند. آیا اکنون آقای خاتمی با طرح این لایحه به واقع قصه‌ی ملحق شدن به این کنوانسیون را دارد و می‌خواهد به این جدایی ۲۲ ساله پایان دهد؟! اجرای چنین شرطی برای کنوانسیون مجاز نیست

طبق مقررات کنوانسیون وین ۱۹۶۹، حقوق معاهدات شرایطی دارد از جمله:

۱- خود معاهده حق شرط را منع کرده باشد.

۲- معاهده حق شرط را فقط در موارد خاص پذیرفته باشد.

۳- حق شرط ناپیستی با هدف، موضوع و منظور معاهده مغایرت داشته باشد.

و در بند دو ماده ۲۸ خود کنوانسیون رفع کلیه اشکال از زنان نیز آمده است که: حق شرط در صورتی که مغایر موضوع و هدف معاهده نباشد، مجاز است.

تعریف مادی دو، سه و ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۸) ماده‌ی دو، دول عضو هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم کرده، موافقت می‌نماید که بدون درنگ سیاست رفع تبعیض از زنان را با کلیه ابزارهای مناسب دنبال نموده و با این هدف موارد زیر را متعهد می‌شود:

الف - گنجاندن اصل مساوات میان زنان و مردان در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط به هر کشور، چنانچه تاکنون منظور شده باشد و تضمین نه تحقق عملی این اصل به وسیله‌ی وضع قانون یا سایر طرق مناسب دیگر.

ب - تصویب قوانین مناسب و یا اقدامات دیگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا به منظور رفع تبعیض از زنان،

ج - برقراری حمایت قانون از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و حصول اطمینان از حمایت موثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق مراجع قضایی ذیصلاح ملی و سایر موسسات دولتی،

د - خودداری از انجام هرگونه عمل و حرکت تبعیض‌آمیز علیه زنان و تضمین رعایت این تعهدات توسط مراجع و موسسات دولتی.

ه - اتخاذ کلیه اقدامات مناسب جهت رفع تبعیض از زنان توسط هر شخص، سازمان و یا شرکتهای خصوصی،

و - اتخاذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین به منظور اصلاح یا فسخ قوانین مقررات عرف یا روش‌های موجود که نسبت به زنان تبعیض‌آمیزند.

ز - فسخ کلیه مقررات کیفری ملی که مادی سه کنوانسیون: دول عضو باید در تمام زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات مناسب از جمله وضع قوانین را برای تضمین توسعه و پیشرفت کامل زنان و نیز بهره‌مندی آنان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر مبنای مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده‌ی ۱۶: دول عضو به منظور رفع تبعیض از زنان کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی به عمل خواهند آورد به ویژه بر اساس تساوی مردان و زنان موارد ذیل را تضمین خواهند کرد:

الف - حق یکسان برای ورود به ازدواج

ب - حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه‌ی دو طرف ازدواج.

قوانین داخلی ایران از جمله قانون مدنی آن ادامه در صفحه ۶

در هفده دی ۱۳۸۰ در سالروز کشف حجاب، هیئت دولت، لایحه‌ی الحاق ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را به مجلس شورای اسلامی فرستاد. در این لایحه پیش شرطی برای پیوستن به کنوانسیون گذاشته شده که قبل از هر چیز حقوق زنان پایمال می‌شود. در این لایحه آمده:

«الحاق مشروط به صورت عام و کلی و به شرط عدم مغایرت مفاد آن با موازین شرعی»

از سوی واحد امور بین‌الملل مرکز امور مشارکت زنان، توضیحاتی به خبرگزاری ایسنا ارائه شده است. در قسمتی از این توضیحات این‌گونه آمده است که ایران تمایل دارد:

«ضمن تأمین منافع خود در جهت هم‌خوانی با نظام بین‌المللی شرکت کند.» و یا این‌که «عضویت در کنوانسیون شمول آثار قانونی بعضی مفاد معاهده در مورد آن کشور می‌شود.»

«هزینه فایده کردن این شکل از الحاق می‌توان امیدوار بود که با شرکت فعال و روشنگر جمهوری اسلامی ایران در کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان تأثیرگذاری بر مباحث آن کمیته و ارائه گزارشات مستدل و منطقی از وضعیت زنان در اسلام و دستاوردهای بیشتر برای زنان ایران گام مهمی در جهت کاهش فشارها و تبلیغات علیه نظام و نیز درک بهتر از قوانین و رسوم واقعی و ترجیحی اسلامی برداشته شده و با در پیش گرفتن تقوی حضور وسیع تو بجای تقوی گریز و پرهیز و حضور فعال و تأثیرگذار در تحولات جهانی، صورت مناسب به آن تحولات بخشیده خواهد شد.»

«هیات دولت بر این باور بود که اگر شرط موردی تعیین شوند ایران به نوعی موضوع مخالف رسمی خود را اعلام کرده و این به نفع جمهوری اسلامی نخواهد بود.»

واحد امور بین‌الملل مرکز مشارکت زنان، نشان می‌دهد که در این زمینه نیز هیئت دولت آقای خاتمی نه حقوق زنان، بلکه دیپلماسی‌ای را دنبال می‌کند که در آن نه از حقوق زنان دفاع شده و نه جمهوری اسلامی زیر تعهد بین‌المللی قرار گیرد و توجیهی برای انزوای خود پیدا کند.

از آقای خاتمی به عنوان رئیس دولت باید پرسیده شود، آیا با مانوری این‌گونه می‌توان بر آیدگان باوراند که شما در تحکیم قوانین ضد زن جمهوری اسلامی ایران مسئولیتی نداشته‌اید؟ آیا این برنامه اعلام شده‌ی شما قبل از دوم خرداد مغایر نیست؟

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان

این کنوانسیون به منظور رفع مشکلات زنان در دسامبر ۱۹۷۹ (۲۷ آذر ۱۳۵۸) در سازمان ملل به تصویب رسید و از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۲ شهریور ۱۳۶۰) لازم‌الاجرا گردید.

در واقع این کنوانسیون عمری هم‌پای انقلاب ایران دارد و بسیاری از کشورهای جهان (۱۶۸ کشور) در آن عضو هستند. از جمله از ۵۶ کشور عضو کنفرانس اسلامی فقط ۱۲ کشور از جمله ایران هنوز موضعی اتخاذ نکرده‌اند و در این بین ۲۶ کشور اسلامی به صورت مطلق و بدون اعمال حق شرط به این کنوانسیون ملحق شده‌اند

و حتی کشورهایی هم‌چون عربستان و لیبی نیز با حق شرط شرکت نموده‌اند.

جالب توجه است که در اسفند سال ۱۳۷۶ در شورای عالی انقلاب به ریاست آقای خاتمی اعلام گردید که ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نمی‌پیوندد و دلایل آن نیز اعلام نگردید.

خانم زهرا شجاعی معاون آقای خاتمی در مارس ۱۹۹۸ در چپل و دومین کمیسیون مقام زن در نیویورک سازمان ملل، عدم پیوستن ایران را اعلام نمودند.

مصاحبه با یک فعال جنبش کارگری و سندیکایی کشور درباره اعتراضات اخیر معلمان

سوال: با تشکر از اینکه پذیرفتید تا با ما مصاحبه کنید. اگر اجازه بدهید مستقیم برویم سر مصاحبه. نتیجه و سرانجام اعتراضات زنجیره‌ای معلمان و فرهنگیان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
جواب: از سرانجام هنوز نمی‌توان حرف زد. اما نتیجه، خوب گامی به جلو بود.

● تنها گامی به جلو بود؟

○ بله، یقیناً، زیرا که این اعتراضات زنجیره‌ای و تاثیرات و بازتاب سریع آن در جامعه توی دل هیات حاکمه را خالی و باعث ایجاد ترس و وحشت در میان آنان گردید. آنان که تا قبل از تظاهرات بزرگ معلمان سرخشان و آشکارا جواب رد به درخواست‌ها و مطالبات فرهنگیان می‌دادند پس از اینکه جدیت تظاهرکنندگان را مشاهده کردند گامی به عقب نهاده و مجبور گردیدند تا ترفندی بیابند.

● ترفند بود یا پاسخگویی به بخشی از خواسته‌ها؟
○ هر دو بود.

● می‌توانید در این مورد کمی روشن‌تر توضیح دهید؟

○ ابتدا بگویم از وقایع نگاری این اعتراضات خودداری می‌کنم. زیرا که همگی در جریان قرار دارند. به اعتقاد من موافقت دولت با برآورده کردن برخی از خواسته‌ها و از جمله افزایش ۱۶٪ حقوق و قول مساعد در مورد پرداخت دیون عقب افتاده دولت به فرهنگیان، رسیدگی به وضعیت تعاونی‌های فرهنگیان و... ضمن اینکه به قسمتی از خواسته‌های تظاهرکنندگان پاسخ داد و یا بهتر است که گفته شود که وعده اجابت و رسیدگی داد، توانست با این ترفند اولاً از اجابت کلیه خواسته‌ها و مطالبات فرهنگیان شانه خالی کند. دوماً در میان صفوف معلمان که بسیار فشرده شده بود شکاف ایجاد کرده و توان و دایره حرکت‌های اعتراضی معلمان در آینده را محدود کند. سوماً از تاثیرگذاری شتابان جنبش مطالباتی معلمان بر رویدادهای سیاسی در جامعه نیز جلوگیری کند. بنابه دلایلی که عرض شد، من فکر می‌کنم که عکس‌العقل دولت هم یک ترفند بسیار زیرکانه و تدارک دیده شده و هم یک عقب‌نشینی تاکتیکی بود.

● برخی‌ها از جمله گردانندگان تشکل‌های حکومتی و دولتی معلمان، که در ابتدا با معلمان و خواسته‌های آنان همراهی می‌کردند پس از آنکه دولت و مقامات حکومتی از دادن اجازه تظاهرات به معلمان در مقابل مجلس خودداری کردند معلمان را از تجمع غیرقانونی در مقابل مجلس برحذر داشتند اما بهرحال این تظاهرات در موعد مقرر برگزار گردید. نظر شما در این مورد چیست؟

○ بله صحیح است. از تشکل‌های حکومتی و دولتی نیز نمی‌توانستیم توقعی بیش از این داشت. اگر آنان آن نمی‌کردند، که کردند، غیرمنتظره بود. اما به اعتقاد من علت اینکه دولت مجبور به اجابت برخی از خواسته‌ها شد قطعاً از نتیجه همین تظاهرات آخری است که غیرقانونی اعلام شده بود. این طوری نبود که یک دفعه و ناگهانی معلمان و فرهنگیان بیایند و مطالبات خود را از طریق دست زدن به تظاهرات غیرقانونی آنهم به آن گستردگی و در شرایطی که هزینه شرکت در این گونه تظاهرات در ایران هنوز هم بسیار سنگین است طلب کنند. آنها همه راه‌های قانونی را قبل از آن طی کرده بودند، اما چون به نتیجه نرسیده بودند ناگزیر به آن مرحله که مشاهده شد رسیدند.

● تشکل‌های حکومتی چقدر با معلمان و خواسته‌های آنان همراهی نشان می‌دهند و یا نشان دادند؟

○ اصولاً معلمان و فرهنگیان بخاطر اینکه جزء نیروهای آگاه و با فرهنگ جامعه و جنبش مزدبگیران هستند، و از موقعیت ویژه‌ای در جامعه نیز برخوردار هستند آنها را نمی‌توان به آسانی فریفت. به همین جهت تشکل‌های حکومتی معلمان نیز نمی‌توانستند این مسئله را نادیده بگیرند. و به همین دلیل آنها تا حدودی و با قید و شروطی از بخشی از خواسته‌های معلمان حمایت و آنان را همراهی می‌کردند. اما تجربه اعتراضات اخیر ظرفیت و توانایی‌ها و تمایلات واقعی اینگونه تشکل‌ها را نیز به محک آزمایش نهاد. معلمان نیز که با هوشیاری از این تشکل‌ها برای پیشبرد

خواسته‌های خود استفاده می‌کردند وقتی لازم دیدند که باید از سد آنان نیز عبور کرده تا به خواسته‌های خود برسند در این کار درنگ نکردند و با این اقدام خود نشان دادند که خواهان چه نوع تشکلی هستند.

● از ترفند دولت صحبت کردید، آیا فکر می‌کنید که جنبش اعتراضی معلمان و فرهنگیان از این پس فروکش خواهد کرد؟
○ تصور می‌کنم که حداقل دامنه آن در کوتاه‌مدت محدودتر خواهد بود. البته بستگی به رفتار دولت نیز دارد.

● یعنی تصور می‌کنید که میزان وعده‌های دولت به معلمان آنان را راضی و مشکلات معیشتی و اقتصادی آنان را بنحو قابل ملاحظه‌ای تخفیف خواهد داد؟

○ نه، من بر این اعتقاد نیستم اما این وعده‌هایی که هنوز معلوم نیست واقعاً چه میزان آنها اجابت خواهد شد در عده‌ای ایجاد توهم می‌کند. والا اگر وعده سرخرم نباشند و همه این وعده‌ها بدون کم و کاست اجابت گردند باز در وضعیت اقتصادی کنونی و تا زمانی که تورم واقعاً مهار نشود چاره‌ساز نخواهند بود. اساساً خواسته‌های معلمان خواسته‌های بلندپروازانه نبود که دولت بخواهد تنها بخشی از آنها را پاسخ دهد.

● دولت که می‌گوید تورم را مهار کرده است و کاهش نرخ تورم را از زمره دستاوردهای اقتصادی خود می‌داند؟

○ همه اینها تنها حرف است کجا تورم مهار گشته است. قبلاً مقامات دولتی نرخ تورم در سال جاری را ۱۲/۹٪ اعلام کرده بودند اکنون خودشان می‌گویند بین ۱۲ تا ۱۴٪ است. براساس آمارها و ارزیابی‌های برخی از استادان دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران امور اقتصادی نرخ تورم در حال حاضر برخلاف گفته دولت ۲۰٪ تا ۲۵٪ است. از آن بدتر پیش‌بینی می‌شود که میزان تورم در سال آینده با توجه به ماهیت بودجه دولت، عدم رشد اقتصادی مطلوب و افزایش نرخ دلار در مقابل ریال به میزان کم سابقه‌ای افزایش یابد. هم اکنون بسیاری از صاحب‌نظران و حتی برخی از اصلاح‌طلبان حکومتی نیز ضمن اذعان این مسئله آشکارا اعلام می‌کنند که برای مقابله با افزایش نرخ تورم در سال آینده حداقل دستمزد کارگران بایستی ۱۷۵۰۰٪/۱۷۵۰۰٪ تومان در ماه باشد. با یک چنین ارزیابی‌هایی که وجود دارد افزایش ۱۶٪ به حقوق یک دبیر لیسانسیه که در ماه ۸۵۰۰۰٪/۸۵۰۰۰ تومان حقوق دریافت می‌کند چه دردی از او را دوا خواهد کرد. خود فرهنگیان نیز این مطلب را بخوبی درک می‌کنند. به همین دلیل آنها علاوه بر افزایش حقوق خود خواهان افزایش و اختصاص کمک‌های غیرتقدی، بهداشتی، آموزشی و تسهیلات ممکن هستند.

● به چه دلیل می‌گویند بودجه سال آینده باعث افزایش تورم خواهد شد؟

○ دلایل بسیاریند. من نمی‌گویم عده‌ای از خود نمایندگان مجلس، اصلاح‌طلبان حکومتی و حتی نمایان و نزدیکان خاتمی این را می‌گویند. قیمت دلار ۱۷۰ تومانی می‌شود حدود ۸۰۰ تومان، قیمت سوخت، برق و تقریباً کلیه خدمات دولتی و خدمات پزشکی و درمانی و مالیات بسیاری از کالاها افزایش خواهند یافت. بعنوان نمونه عرض می‌کنم در رابطه با بخش بهداشت و درمان بطوری که در بودجه سال آینده پیش‌بینی گردیده است ۷۵٪ از مخارج بیمارستان‌ها باید از طریق بیماران و مراجعه‌کنندگان تامین شود. نام‌شانه خالی کردن دولت از مسئولیت‌های قانونی‌اش در این بخش را طرح خودگردانی بیمارستان‌ها گذاشته‌اند. بودجه دولتی اختصاص یافته برای بخش درمان و بهداشت یک مملکت ۶۵ میلیونی تنها ۵۵ میلیارد تومان تعیین شده است. جالب‌تر آن است که بدانیم این مبلغ نیز قرار است از بابت درآمد ناشی از فروش سهام کارخانجات دولتی تامین شود. معنی این حرف آن است که معلوم نیست بودجه سال‌های بعدی در بخش بهداشت و درمان چگونه باید تامین شود.

زیرا پول فروش کارخانجات دولتی سال آینده هزینه خواهد شد، و معلوم نیست که در سال بعدی چیزی برای فروش و بودجه کردن باقی مانده باشد. به این می‌گویند سیاست اقتصادی! در عوض بودجه موجود در صندوق ذخیره ارزی را در خدمت توسعه بخش خصوصی، بخوان (بازار و دلال بازی گذارده می‌شود) این در حالی است که طبق قانون اساسی خودشان، باید مردم از بیمه همگانی و خدمات پزشکی و درمانی مناسب و رایگان برخوردار باشند. اما وقتی که صحبت از اجرای قانون در این عرصه‌ها می‌شود قانونگرایی دولت و حقوق کارمندان را اضافه می‌کنند و همزمان با آن خدمات پزشکی و درمانی را حداقل ۵۰٪ افزایش می‌دهند حالا خودتان جواب این معما را با یک حساب سرانگشتی محاسبه کنید. معلمان و فرهنگیان این وضعیت را درک می‌کنند. برای همین است که آنها علاوه بر اینکه خواهان افزایش حقوق خود هستند می‌خواهند که از کمک‌های غیرتقدی و بهداشت ارزان و مسکن ارزان برخوردار گردند.

● مگر فرهنگیان بیمه نیستند؟ منظوری این است که مگر آنها نمی‌توانند از خدمات پزشکی ارزان استفاده کنند؟

○ چرا بیمه هستند اما دفترچه‌های بیمه در ایران بخصوص در سه چهار سال اخیر ارزش خود را از دست داده‌اند. زیرا که پزشکان و بیمارستان‌ها یا بیماران بیمه‌ای را نمی‌پذیرند و یا اگر بپذیرند شخص بیمه شده می‌بایستی مبلغ گزافی را بابت خدمات بیمارستانی و پزشکی پرداخت کند. تنها خدمات پزشکی نیست که قرار است در سال آینده گران شود بلکه قیمت بسیاری از کالاهای اساسی نیز قرار است افزایش یابد. قیمت سوخت، آب و برق نیز قرار است افزایش یابد و همزمان یارانه مایحتاج عمومی و نان را نیز قطع و یا کم کنند. از این لحاظ است که کمک‌های غیرتقدی اهمیت پیدا می‌کنند.

● زمینه ایجاد تشکل مستقل چقدر فراهم شده است؟

○ زمینه وجود دارد. اما مشکل هم وجود دارد. همه ابزارکار و نیرو و اراده برای تشکیل تشکل‌های مستقل فرهنگیان وجود دارد. اما حکومت و دولت نیز جدیت زیادی بخرج می‌دهند تا در شکل ممکن از تشکیل تشکل‌های مستقل کارگری و معلمان جلوگیری کنند. اینها نمی‌توانند به آسانی معلمان را از کار اخراج کنند. بستن مدرسه از کارخانه دشوارتر است. آموزش، سرورس را نمی‌توان تعطیل کرد، نمی‌توان آموزش را از خارج وارد کرد! از تشکل‌یابی مستقلانه معلمان وحشت دارند: زیرا که آنها نیروی بزرگی هستند که تاثیرات و نفوذ زیادی در جامعه دارند. به همین دلیل است که معلمان را راحت نخواهند گذاشت که برایشان دردسر و مشکل درست خواهند کرد.

● به نظر شما آیا دولت و مملکت توانایی اقتصادی پاسخ‌گویی به خواسته‌های معلمان را دارند یا مایل به این کار نیستند؟
○ توانایی اقتصادی البته محدود است. اما مقصر کیست؟ دولتی که نمی‌تواند اقتصاد مملکت را سر و سامان دهد و یا آن را در جاده درست بیاندازد چرا برنامه‌های اقتصادی‌اش را تغییر نمی‌دهد؟ چرا به اشکال کارش فکر نمی‌کند؟ نخیر این دولت بی‌طرف نیست. جانبدار است. برنامه اقتصادی‌اش نیز جانبدارانه است و برای این است که حاضر نیست آن را تغییر دهد.

بعضی‌ها تصور می‌کنند که دولت تنها در رابطه با حل معضل بیکاری برنامه‌هایش پیش نرفته است. اما این گونه نیست کل برنامه اقتصادی اوست که ناکارا از کار در آمده است.

● مقامات دولتی روزنامه‌های وابسته به آنان در طول اعتراضات معلمان پیوسته تاکید می‌کردند که اعتراضات معلمان سیاسی نیست بلکه اقتصادی است. نظر شما در این باره چیست؟

○ البته خواسته‌ها در ابتدا عمدتاً اقتصادی و صنفی بودند. اما به تدریج به درجانی رنگ و نشانی سیاسی بخود گرفتند. اصولاً در کشوری مثل ایران که با بحران اقتصادی نیز دست به گریبان است و آزادی فعالیت و مجراهای قانونی ایران مخالفت نیز بسیار محدود است نه تنها اعتراضات اقتصادی بلکه سایر اعتراضات نیز به سرعت رنگ و نشانی سیاسی بخود می‌گیرند. بحران اقتصادی و عدم توسعه سیاسی و موانعی که بر سر راه حل مسالمت‌آمیز آنان بوجود آمده است مملکت را در آستانه یک بحران خطرناک قرار داده است.

● عده‌ای بر این عقیده‌اند و می‌گویند که نباید به اینگونه خواسته‌ها و اعتراضات دامن زد، زیرا که محافظه‌کاران مخالف اصلاحات از اینگونه اعتراضات بر علیه روند توسعه سیاسی استفاده ابزاری خواهند کرد و حتی گفته می‌شود که یکی از تشکل‌های حکومتی معلمان که وابسته به جناح محافظه‌کار است در برخی از حرکت‌های معلمان در گذشته نقش هدفمندانه داشته است. شما در این باره چه عقیده‌ای دارید؟

○ بعضی‌ها این حرف‌ها را کرده‌اند چساقی برای کوبیدن بر سر حرکت‌های مستقل توده‌ای، این دوستان برای توجیه خط و خطوط خودشان از هیچ آسمان ریسمان بافتنی دریغ نمی‌کنند. من رد نمی‌کنم که تشکل‌های حکومتی ممکن است

لایحه‌ای علیه حقوق زنان!

ادامه از صفحه ۵
بر اساس قوانین شرعی و اسلامی تنظیم شده است. اصولی از قانون اساسی و موادی از قوانین داخلی مدنی کیفری، امور جنسی، استخدامی و... بر مبنای تبعیض حقوقی زن و مرد استوار است و بر نابرابری تاکید دارد و حیثیت دولت با پیش‌شرطی که گذاشته است، استمرار همان قوانین ضد زن ۷۰ سال گذشته را تاکید می‌کند و این شرط با روح کنوانسیون مقایر است.
ماده‌ای سه مقررات کنوانسیون وین می‌گوید: حق شرط نبایستی با هدف موضوع و منظور معاهده مقایرت داشته باشد و طبق بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زن (حق شرط در صورتی که مغایر با موضوع و هدف معاهده نباشد مجاز است). بنابراین ایران فقط در صورتی می‌تواند به عضویت کنوانسیون پذیرفته شود که رفع قوانین شرعی اسلامی را که در آن زن نصف مرد محسوب گشته است را با صراحت تغییر دهد.
از جمله این قوانین - عدم برابری و تبعیض در زمینه‌ی طلاق و ازدواج ارت، شهادت کار، تحصیل، مسافرت، نگهداری و سرپرستی فرزند است.
مرد موجب ماده‌ی ۱۱۳۳ قانون مدنی «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد. سن ازدواج برای دختران ۹ سال است، یعنی ازدواج دختر بچه‌ها قانونی است و حتی پدر و جد پدری حق دارند دختران زیر ۹ سال خود را به عقد مردان درآورند» و این بند مغایر ماده‌ی ۱۶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض است. بنابراین باید پرسیده شود با این ماده‌ی الحاقی می‌خواهید این قوانین را به تصویب کنوانسیون نیز برسانید؟

اخبار کوتاه

ادامه از صفحه ۳

«دوربین مخفی» و «نظر» صادره از سوی هیات ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، از طرف کمیته مرکزی نظارت بر نشریات دانشگاه‌های کشور تایید شد.

این نشریات به اتهام درج مطالب «خلاف عفت عمومی» و توهین به اشخاص توقیف شده بودند.

حکم توقیف نشریات دانشجویی «دوربین مخفی» و «نظر» تایید شد

حکم توقیف نشریات دانشجویی

کوشش کرده باشند که از نارضایتی و اعتراضات معلمان استفاده ابزاری کنند. اما معلمان چنانکه در عمل نشان دادند آگاه‌تر از آن هستند که فریب ترفندهای تشکل‌های حکومتی را بخورند. آنان همانطور که به درستی از تشکل‌های حکومتی برای تحقق خواسته‌هایشان زیرکانه و سیاستمدارانه در مقاطعی استفاده و سود برده‌اند در مقطعی که تشخیص دادند که این تشکل‌ها کیش همراهی با معلمان و خواسته‌های آنان را ندارند سرعت راه خود را از آنان جدا نمودند. اینگونه افراد بجای سرزنش کردن اعتراضات مستقل توده‌ای چرا به اصلاح‌طلبان حکومتی فشار نمی‌آورند که برای اقتصاد ناپسایمان مملکت که قرار بود با برنامه اقتصادی آقای خاتمی سامان یابد و در جاده ترقی و پیشرفت قرار گیرد، کاری نکنند. چرا ما هیچ‌وقت نمی‌بینیم که اینها از برنامه اقتصادی آقای خاتمی انتقاد بکنند و ده‌ها چرای دیگر، اینها باید نشان دهند که با پوزسیون هستند یا اپوزسیون. خرابی وضع کارگران و معلمان و سایر مزدبگیران مربوط به یکی دو سال اخیر نیست آنها سال‌هاست که این همه صبر و تحمل کرده‌اند و این همه مصیبت کشیده‌اند مگر نه این است که مجلس اصلاح طلب در هماهنگی و همراهی کامل با دولت اصلاح طلب با تصویب لوایح و مقررات ضدکارگری خود دیگر حق و حقوقی قانونی برای مزدبگیران باقی نگذاشته‌اند. آیا محافظه‌کاران می‌توانند به آسانی تمام آن چیزهایی را که اصلاح‌طلبان حکومتی از مزدبگیران باز پس ستانندند خود به تنهایی باز پس ستانند؟
سخن آخر اینکه تاکی مردم باید خود را مقید به حمایت از این جناح و یا آن جناح حکومتی کنند؟ چرا مردم نباید خود جناحی برای خویش باشند.
این مصاحبه با موافقت مصاحبه شونده اندکی خلاصه شده است.

قوانین ارت: در قوانین مدنی ایران زن پس از مرگ همسرش حتی در حالی که همی عمر را با هم زیسته و کار کرده باشند تنها یک هشتم اموال متقول است. ذکر اموال متقول بدان معنی است که اگر مردی تنها صاحب ده‌ها هکتار زمین و باغ باشد پس از فوت وی هیچ چیز به همسرش تعلق نمی‌گیرد. هم چنین پس از مرگ پدر یا مادر به پسر دو برابر دختر ارت می‌رسد.
به موجب ماده‌ی ۱۱۰۵ قانون جمهوری اسلامی ریاست خانواده از خصایص شوهر است. در جمهوری اسلامی، استخدام زنان بدون اجازه‌ی کتبی شوهر به استناد ماده‌ی ۱۱۱۷ قانون مدنی ممنوع است.
به موجب ماده‌ی ۱۰۶۰، زنان ایران بدون اجازه‌نامه از وزارت کشور جمهوری اسلامی حق ندارند با مردان خارجی ازدواج کنند. به موجب بند ۳ ماده‌ی ۱۸ قانون گذرنامه ۱۳۵۱، زن برای خروج از کشور محتاج اجازه‌ی کتبی شوهر است. بر اساس ماده‌ی ۳۷۳ دپیه زن در صورت وقوع نقض عضو نصف دیه می‌رود است. این قوانین آشکارا بر اساس تبعیض پایدیزی شده است و بر خلاف ماده‌ی یک و سه و ۱۶ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان است، یعنی حق شرط با هدف و موضوع معاهده مغایرت دارد. چرا شرکت و چرا این گونه؟ آیا چنین الحاقی به قصد تامین حقوق زنان ایران صورت می‌گیرد و یا اهداف دیگری دنبال می‌گردد؟
در وراي همی این بازی‌های دیپلماتیک می‌توان امیدوار بود که این حد از آگاهی در میان زنان به وجود آمده باشد که حقوق خود را بشناسند و در پی تغییر این قوانین برآیند.

۱ - به نقل از کتاب رفع تبعیض از زنان، مهرانگیز کار

نگاهی به سند «برآمدی دیگر، روالی دیگر»

بهرروز خلیق

سند «برآمدی دیگر، روالی دیگر» مشتعل بر دو بخش است: بخش اول، «بجای مقدمه» که در آن سیمای سازمان ترسیم می‌شود. بخش دوم، شامل مؤلفه‌های خط مشی سیاسی» می‌باشد. نوشته حاضر نیز بر پایه این تقسیم‌بندی به تحریر در آمده است.

بخش اول

این قسمت در حقیقت آئین‌نامه برای سند «دیدگاهها و آماج‌ها» است که در کنگره پنجم سازمان به تصویب رسیده است و سیمای دستورکار کنگره اتی قرار ندارد و بهتر بود که نویسنده سند خود را قبل از کنگره پنجم ارائه می‌داد و یا برای کنگره بعدی که احتمالا تکمیل سند «دیدگاهها و آماج‌ها» در دستور قرار خواهد گرفت، پیشنهاد می‌کرد. در اینجا فقط به ذکر یک نکته بسنده می‌کنم که براساس این سند سازمان از یک جریان چپ، دمکراتیک و لائیک به یک جریان «ملی - مردمی» تغییر هویت می‌دهد. تغییر هویت و «انتخاب» جدید امر ساده‌ای نیست و به حیات سی ساله سازمان برمی‌گردد. تغییر هویت یک سازمان اساسی‌ترین مسئله آن است لذا اگر کسی نظر و پیشنهادی در این زمینه داشته باشد، باید در یک بحث جدی و سازمان یافته شرکت جوید، نظرات خود را ارائه دهد و به نقد دیگران پاسخ‌گو باشد. علاوه بر این جریان سیاسی هستیم که بخشی از آن در خارج از کشور حضور دارد و منطقی نخواهد بود که این بخش به تنهایی در مورد تغییر هویت سازمان از یک جریان چپ به جریان «ملی - مردمی» تصمیم بگیرد.

بخش دوم

سند فعلی رفیق جوشنی با اسنادی که وی به کنگره قبلی از جمله کنگره ششم ارائه داده بود، تفاوت‌هایی دارد که نشان می‌دهد وی برخی موضوعات و مواضع را که در سند مصوب کنگره ششم آمده است، پذیرفته است. از جمله: - طرح «اصلاحات و تغییرات» در قانون اساسی - جستجوی راه‌های عمل «مقاومت مدنی» در مقابل عملکردها و سیاست‌های مخرب نهادهای انتصابی - بسیج اجتماعی مطالباتی و اعتراضی با تاکید بر روش‌های مسالمت‌آمیز - گشودن افق اصلاحات بنیادی (رادیکال) ولی هنوز این سند با مسائل اساسی که جنبش اصلاحات با آن روبرو است، تماس برقرار نکرده است. مسائلی که بدون پاسخ گسویی به آن نمی‌توان از تداوم و تعمیق اصلاحات صحبت به میان آورد:

۱. **سد شدن ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه** در طی دو سال گذشته آشکارتر شد که ساخت سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سد و مانع اصلی تداوم و پیشرفت اصلاحات است. نمی‌توان قوه قضائیه را به تنهایی سد پیشرفت اصلاحات بحساب آورد. اگر قوه قضائیه نمایندگان مجلس را احضار، محاکمه و زندان می‌فرستد و یا مطبوعات را می‌بندد و عناصر شاخص اصلاح طلب و نیروهای ملی - مذهبی را دستگیر می‌کند. شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام هم جلو مصوبات مجلس را می‌گیرد. آن دسته از مصوبات مجلس ششم که می‌توانست گامی در جهت گشایش راه اصلاحات باشد، به تایید شورای نگهبان نرسیده است. علاوه ولی فقیه بعد از انتخابات مجلس شورا هدایت تهاجم به اصلاحات را در دست گرفته و کوشید خاتمی را به حاشیه راند. خاندان دستور توقیف بیش از ۲۰ روزنامه و نشریه وابسته به اصلاح طلبان را صادر کرد و با ارسال نامه به کروی لایحه اصلاح قانون مطبوعات را از دستور بررسی مجلس خارج ساخت. خطا است که «باز داشتن اصلاحات از تحرک» را تنها به این یا آن نهاد نسبت دهیم. آنچه عامل اصلی سد اصلاحات است، ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه است. رویدادهای دو سال اخیر تماما گزاف بر این امر بود. اما سند آگاهانه از تماس با ولایت فقیه و

ساخت قدرت اجتناب می‌ورزید. گفته می‌شود که توازن قوا در شرایط کنونی اجازه تعرضی به کلیت ساخت سیاسی ولایت فقیه را نمی‌دهد. اما مشخص کردن مانع اصلی پیشرفت اصلاحات و تعیین سمت اصلی ضربه زورما با توازن قوا پیوند نمی‌خورد. ما باید به طور روشن بگوئیم که چه نیرو و ساختاری نمی‌گذارد که اصلاحات تداوم و تعمیق پیدا کند. ضرورتی ندارد که ما در محظورات و محدودیت‌های سیاسی - فکری اصلاح طلبان حکومتی گرفتار آئیم.

یکی از عواملی که موجب شده است اصلاحات زمین‌گیر شود، عدم اتخاذ سیاست کارا و موثر نسبت به ولایت فقیه است. ولی فقیه مصمم است که با اعمال فشار همه جانبه اصلاح طلبان حکومتی را به تمکین وادار سازد و یا حذف کند. به عمر حاکمیت دوگانه پایان بخشد و دفتر اصلاحات را ببندد. در حالی که اصلاح طلبان حکومتی کمابیش سیاست دوزدن ولی فقیه و خنثی نگه داشتن او را پیش می‌برند. از زمانی که ولی فقیه هدایت تهاجمات به اصلاحات را برعهده گرفته است، این سیاست کارایی خود را از دست داده است. او نسبت به روند اصلاحات در موضع خنثی و بی‌طرف نیست بلکه عامل فعال و موثر در مقابل اصلاحات است. بدون دخالت او امکان تعطیلی بیش از ۲۰ روزنامه و نشریه مستقل و منتقد وجود نداشت. قوه قضائیه و شورای نگهبان بدون حمایت ولی فقیه نمی‌توانستند چنین بکه تازی کنند.

نویسنده سند بجای اعلام ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه بعنوان مانع اصلی تداوم اصلاحات به حواشی آن می‌پردازد. می‌توان و باید در تعیین راستاهای خط مشی سیاسی مشخص کرد که مانع اصلی پیشرفت چیست و ضربه اصلی ساختار اصلاحات باید متوجه کدام نیروی اصلی باشد. بدون ارائه پاسخ روشن به این موضوع نمی‌توان خط مشی سیاسی مبتنی بر واقعیات صحنه سیاسی کشور تدوین کرد. در جهت پیشبرد استراتژی و باتوجه به آرایش قوا می‌توان در مقاطع مختلف این یا آن نهاد وابسته به ولایت فقیه را زیر ضرب برد و بیشترین نیرو را علیه آن بسیج کرد ولی این امر مفایرتی با مشخص کردن جایگاه و عملکرد ولایت فقیه در روند اصلاحات ندارد. ساختار سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه سد راه اصلاحات است و بدون افشاء و طرد آن اصلاحات تداوم و تعمیق پیدا نخواهد کرد و به بن‌بست خواهد رسید.

در سند رفیق جوشنی در تدوین سیاست‌ها نیز ولایت فقیه حذف شده است. او مشخص نمی‌کند که سیاست‌های پیشنهادیش چه ارتباطی با ولایت فقیه دارند. بیان اینکه باید در جهت تقویت جمهوری و نهادهای انتخابی در برابر ولایت و نهادهای انتصابی و دمکراتیزه کردن ساختار سیاسی حاکم تلاش نمود، کافی نیست. در اینجا جایگاه ولایت فقیه و ساختار سیاسی مبتنی بر آن گم است.

۲. **سیاست تشویق محافظه کاران میانه رو به پذیرش قواعد بازی سیاسی** در این سند اتخاذ سیاست تشویق محافظه کاران میانه رو به پذیرش قواعد بازی سیاسی در سمت و سوی ایجاد فضای سیاسی مناسب و دمکراتیک بعنوان یکی از مؤلفه‌های خط مشی سیاسی پیشنهاد شده است. این سیاست تشویق پیشنهاد جدیدی نیست. اصلاح طلبان حکومتی بعد از دوام خوردن این سیاست را پیش بردند. آنها امیدوار بودند که جریان افراطی در درون محافظه کاران را منزوی کنند و جریان مصلحت‌گرا را به پذیرش قواعد بازی سیاسی و پایبندی به قانون وادار سازند. جریان افراطی قبل از انتخابات ششم مجلس شورا، ابتکار عمل را در تهاجم به اصلاحات در دست داشت و جریان مصلحت‌گرا را به دنبال خود می‌کشاند.

افراطیون جناح محافظه کار بر پیشبرد استراتژی بحران سازی تاکید ویژه داشتند و آگاهانه و سازمان یافته علیه اصلاحات بحران می‌ساختند. این جریان تنها با بحران سازی می‌توانست روند اصلاحات را با مشکل مواجه سازد و موقعیت خود را تثبیت کند. بعد از انتخابات ششم مجلس شورا جریان مصلحت‌گرا ابتکار عمل را بدست گرفت و از کانال نهادهای وابسته به ولایت فقیه، تهاجمات خود را علیه اصلاحات پیش برد و ضربات کاری بر جنبش اصلاحات وارد آورد. از آن زمان تاکنون ابتکار تهاجم به اصلاحات در دست نیرویی بوده است که نویسنده سند از آن بعنوان محافظه کاران میانه رو اسم می‌برد.

محافظه کاران میانه رو به همراه افراطیون از چند ماه قبل تصمیم گرفتند که بر حیات جنبش اصلاحات نقطه پایان بگذارند. اصلاح طلبان حکومتی را یا به تمکین وادار سازند و یا اینکه حذف کنند. آنها نه تنها به قواعد بازی سیاسی تن نمی‌دهند بلکه از قانون، قوه قضائیه و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بعنوان ابزار علیه اصلاحات بهره می‌گیرند. محافظه کاران که در جامعه حدود ۱۵ درصد آراء را دارند و در «بالا» حدود ۸۰ درصد قدرت را در چنگ خود نگاهداشته‌اند، حاضر به تحمل حضور نیرویی که ۷۰ درصد آراء واجدین شرایط را اخذ کرده‌اند، نیستند. آنها نه تنها به تامین این نسبت در قدرت سیاسی تن نمی‌دهند بلکه می‌خواهند اصلاح طلبان را از حاکمیت براند.

۵ سال زمان کافی برای ارزیابی از سیاست تشویق «محافظه کاران میانه رو» به پذیرش قواعد بازی سیاسی است. این سیاست تاکنون بی ثمر و ناکار بوده است. حداقل می‌توان گفت سیاست مزبور در توازن قوای موجود نتیجه بخش نبوده است. اصلاح طلبان حکومتی حساب جدی روی پذیرش قواعد بازی سیاسی از جانب بخش مصلحت‌گرا باز کرده بودند. اکنون بعد از گذشت پنج سال بخش مهمی از آنها به خطا و بی‌ثمر بودن این سیاست پی برده‌اند. متأسفانه نویسنده سند همچنان سیاست مزبور را بعنوان یکی از مؤلفه‌های خط مشی سیاسی پیشنهاد می‌کند، سیاستی که اصلاح طلبان حکومتی نیز از آن فاصله می‌گیرند. اتخاذ «راهکار بازدارندگی فعال» به معنی کنار گذاشتن این سیاست است.

تناقض میان واقعیت‌ها و نتیجه گیری‌های سیاسی

ادامه از صفحه ۸

نمایندگان آن چه کسانی هستند؟ آیا منظور همان افرادی هستند که اکنون در زندان بسر می‌برند؟

زبان و شیوه نگارش

روانشناسی حاکم بر سند «اصلاحات، سیاست‌ها، راه‌کارها» مشحون از جملات دوپهلویی است که بتوان آن را در این سو یا آن سو تفسیر کرد. جملاتی برای تمام فصول. سند در ضمن آن که با دقت در بهترین سیاست‌ها و راستاها خود را پایبند موضوع معینی ساخته است، جای جای آن همراه است با جملات و اظهار نظراتی برای سلاقی و منشاها گوناگون و این بیش از پیش سند مزبور را از نوشته‌ای به عنوان مینا و راهنمای سیاست دور کرده و به موضع مفسر وابسته کرده است.

تبدیل کرده است.

سخنرانی مهدی فتاپور در جشن سالگرد سازمان

گام‌های شجاعانه، نیاز امروز

نیروی با کیفیت کسانی را بعنوان نماینده سیاسی خود می‌پذیرد که کیفیت ارائه دهند. کسانی که در ایده‌هایشان آگاهی و مسئولیت منعکس باشد و شجاعت ارائه ایده‌های نو را دارا باشند. کسانی که در سیاست‌هایشان تدبیر و تجربه دیده شود، کسانی که در پیشنهاداتشان و در عمل‌شان توان مدیریت جامعه منعکس باشد و شهامت گام گذاشتن در مسیرهای جدید را داشته باشند

اگر در چند سال گذشته ما می‌توانیم شکل‌گیری رابطه نوینی مابین چپ، نیروهای وابسته به جنبش ملی و دمکرات‌های مذهبی را بعنوان یک موفقیت استراتژیک مورد تاکید قرار دهیم، به نظر من در دوره آینده، موفقیت و یا عدم موفقیت ما با حد تاثیرگذاری ما در حرکت متشکل نیروی اجتماعی که به آن تعلق داریم مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت

تاریخ سازمان را در یک نگاه کلی می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد مرحله‌ای که سازمان به جوانان روشنفکر رادیکال ایران متکی بوده و ایده‌های رادیکال، چپ و انقلابی دارد. مرحله‌ای که سازمان خود را جزئی از خانواده احزاب کمونیستی، کارگری ایران می‌داند و می‌کوشد که سوسیالیسم به همان گونه که در کشورهای سوسیالیستی جهان عملی گردیده در ایران هم پیاده شود. مرحله سوم، مرحله‌ای که سازمان خود را یک سازمان چپ و دمکرات می‌داند و می‌کوشد ارزش‌های سوسیالیستی و دمکراتیک در جامعه ایران اشاعه و گسترش یابد. در این مرحله تا امروز ما موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی داشته‌ایم.

ما در این دوره موفق گردیدیم که سیمای جدید خود را ارائه دهیم. هر چند بدلیل موقعیت سیاسی سازمان، ما موفق نشده‌ایم که خود را در چهره جدید در سطح توده‌های مردم معرفی کنیم ولی تمامی کسانی که با سیاست‌های ما در ارتباط بوده‌اند و می‌کنند سیاسی را پیگیری می‌کنند خطوط کلی موضوع پیشین ما آشنائی دارند. اگر روزنامه‌هایی چون کیهان و رسالت و یا رادیو اسرائیل ترجیح می‌دهند از ما بعنوان چریک‌های فدائی خلق نام ببرند، نه بدلیل عدم آشنائی‌شان با موضوع ما بلکه باین دلیل است که تصور می‌کنند با چنین عنوانی بهتر می‌توانند ما را مورد حسد قرار دهند.

به نظر من در دوره اخیر بزرگترین موفقیت سازمان و دیگر جریان‌هایی که مثل ما می‌اندیشند، شکل‌گیری رابطه نوینی است که مابین نیروهای چپ، نیروهای با سابقه جنبش ملی و نیروهای دمکرات مذهبی شکل گرفته. در دوره اخیر بر بستر ایده‌های جدید و با یک کار مداوم و پیگیرانه این امکان پدید آمد که بر فاصله و در برخی موارد احساسات خصمانه‌ای که مابین این نیروها وجود داشته غلبه گردد. فاصله‌ای که در جریان مبارزات سال‌های اول دهه ۳۰ بین حزب توده ایران و جبهه ملی ایران بوجود آمد و پس از ۲۸ مرداد هر چند هر دو این نیروها تحت سرکوب قرار گرفتند ولی این سرکوشش مشترک نیز منجر به تخفیف احساسات منفی این دو نیرو علیه یکدیگر نشد. پس از انقلاب بهمین ما یعنی چریک‌های فدائی خلق بیشترین امکانات را در اختیار داشتیم که بر این فاصله غلبه کنیم ولی خط مشی ضدلیبرالی اتخاذ شده توسط جریان‌های چپ چه در چهارچوب خط مشی حزب توده ایران و چه در سازمان فدائیان خلق ایران و چه در چهارچوب سیاست جریان‌های رادیکال چپ منجر بدان شد که این فاصله نه تنها کاهش نیافت بلکه گسترش یافته و حتی در مواردی احساسات خصمانه شکل گرفت.

امروز نیروهای چپ، ملی و دمکرات‌های مذهبی ادر کنار یکدیگر مبارزه کرده و به این اعتقاد مشرک دست یافته‌اند که آماج‌های مورد نظر آنان یا یکدیگر همسو بوده و نزدیکی آنان نه یک نزدیکی تاکتیکی و موقتی بلکه ناشی از اهداف مشترک در یک دوران طولانی است، و از همه مهمتر بین آنان عاطفه مشترک شکل گرفته. زمانی که داریوش فروهر و پروانه اسکندری بقتل می‌رسند و یا زمانی که دکتر پیمان و یا مهندس سبحانی دستگیر می‌شوند، کسانی که مثل ما فکر می‌کنند، در همان حدی که همفکران آنان تحت فشار قرار گرفته باشند، متأثر می‌شوند.

این نزدیکی در تحقق اهداف دمکراتیک ما دارای اهمیت استراتژیک بوده و در برخی موارد می‌تواند نقشی تعیین کننده در تحولات آتی جامعه ایفا کند. ما در سال‌های اخیر خط مشی شرکت در مبارزه برای پیشبرد اصلاحات را در پیش گرفته و کوشیدیم که این اصلاحات گسترش و تعمیق یابد. به نظر من این خط مشی در جهت مصالح مردم ایران و در انطباق با تسهیلات نیروی اجتماعی است که ما بآن تعلق داریم. در رابطه با موفقیت‌های یک خط مشی معمولاً چند سال بعد

ما در چند سال گذشته ما می‌توانیم شکل‌گیری رابطه نوینی مابین چپ، نیروهای وابسته به جنبش ملی و دمکرات‌های مذهبی را بعنوان یک موفقیت استراتژیک مورد تاکید قرار دهیم، به نظر من در دوره آینده، موفقیت و یا عدم موفقیت ما با حد تاثیرگذاری ما در حرکت متشکل نیرویی که به آن تعلق داریم مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت

مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت

کارپایه سازمانی فداییان خلق ایران (اکثریت) پیش نهادی به هفتمین همایش سراسری نمایندگان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بیژن اقدسی

اشاره: کمیسیون منتخب شورای مرکزی سازمان برای تدوین اساسنامه، حاصل کار خود را تحت عنوان «پیش نویس طرح اساسنامه» در شماره ۲۷۱ نشریه کار منتشر کرد. کمیسیون تمام پیشنهادها رسیدگی کرده تا تاریخ انتشار پیش نویس را بررسی و پیشنهادها پذیرفته شده را در پیش نویس وارد کرد. دقیق بیژن یکی از اعضای کمیسیون، «طرح اساسنامه» را برای مبنا قرار گرفتن به کمیسیون ارائه داده بود. کمیسیون طرح وی را بعنوان مبنا نپذیرفت ولی آن طرح را همراه پیشنهادها دیگر مورد بررسی قرار داد و موارد پذیرفته شده را در سند دخالت داد.

طبق روال کار کمیسیونی در سازمان، پیشنهادها در صورتیکه بر این نظر باشد که پیشنهادها پیش در دست کمیسیون مربوطه وارد شده می توانند درخواست انتشار پیشنهادها پیش را داشته باشد. طبق این روال و بنا به درخواست رفیق بیژن، طرح وی منتشر می شود.
مسئول کمیسیون
احمد فرهادی

پیش نویس یکجا آماده شده برای نشست گروه کار در روز ۲۹ آبان ۱۳۸۰
و پسین کار بر روی سند ۱۱ اسفند ۱۳۸۰

- فهرست
- پیش سخن - در باره کاربرت این کارپایه سازمانی
- پیش درآمد - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- بخش نخست - نام، نشان و نشانی سازمان
- بخش دوم - بنیان های زندگی سازمانی فداییان خلق ایران
- بخش سوم - شیوه ها و روش های بنیادین کار سازمانی
- بند ۰۱ - انتخاب ها
- بند ۰۲ - تصمیم گیری ها و مصوبات
- بند ۰۳ - اختیارات
- بند ۰۴ - شرایط عضویت در نهادهای سراسری سازمان و پذیرش مسئولیت های سازمانی
- بند ۰۵ - نام ها
- بخش چهارم - بخش های تشکیلاتی
- زیربند ۰۱ - نهادهای سازمانی
- بند ۰۲ - نهادهای دیگر سازمانی
- بند ۰۳ - شیوه های تشکیلاتی
- بند ۰۴ - وظایف عضویت
- بند ۰۵ - پذیرش عضویت
- بند ۰۶ - وظایف عضو
- بند ۰۷ - حقوق عضو
- بند ۰۸ - پایان عضویت
- زیربند ۰۱ - گذار گذاشتن از سازمان
- بخش پنجم - تشکیلات سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- بند ۰۱ - تشکیلات سازمان در کشور
- زیربند ۰۱ - سازمان پایه کشوری
- زیربند ۰۲ - سازمان روستا
- زیربند ۰۳ - سازمان بخش
- زیربند ۰۴ - سازمان شهر
- زیربند ۰۵ - سازمان شهرستان
- زیربند ۰۶ - سازمان استان
- زیربند ۰۷ - سازمان ایالتی
- بند ۰۲ - تشکیلات سازمان در خارج از کشور
- زیربند ۰۱ - سازمان پایه خارج از کشور
- زیربند ۰۲ - سازمان کشوری
- بخش ششم - سازمان جوانان پیشگام (بخش جوانان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت))
- بخش هفتم - همایش سراسری نمایندگان (کنگره سراسری) سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- بند ۰۱ - اختیارات و وظایف
- بند ۰۲ - دوره برگزاری
- بند ۰۳ - گروه سرپرستی
- بند ۰۴ - مصوبات
- بند ۰۵ - مسائل دیگر
- بخش هشتم - نهاد رهبری سراسری (شورای مرکزی) سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
- بند ۰۱ - اختیارات و وظایف
- بند ۰۲ - شمار اعضا
- بند ۰۳ - رای زنان
- بند ۰۴ - شیوه انتخاب
- بند ۰۵ - گروه سرپرستی
- بند ۰۶ - نشست ها
- بند ۰۷ - گروه های کار سراسری در کنار نهاد رهبری سراسری
- زیربند ۰۱ - بنیاد روزگاران جنبش فداییان خلق ایران
- زیربند ۰۲ - گروه کار سراسری پژوهش و برنامه
- زیربند ۰۳ - گروه کار سراسری کارپایه سازمانی، آیین نامه ها و شیوه های مدیریت
- زیربند ۰۴ - گروه کار سراسری نامزدی برای مسئولیت های سراسری

- داشته باشد.
- بند ۰۵ - نام ها
- نام بخش های تشکیلاتی و نهادهای سازمانی بر پایه الگوهای زیر تعیین می شود.
- زیربند ۰۱ - بخش های تشکیلاتی
- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - «نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه سازمان» «نام جغرافیایی»
- نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - استان یزد
- نام سازمان های پایه چنین است - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - سازمان پایه «نام محله، محل کار یا شماره سازمان پایه»
- نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - سازمان پایه شهرک اکباتان
- زیربند ۰۲ - نهادهای سازمانی بخش های تشکیلاتی
- «نام نهاد» سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) «نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه سازمان» «نام جغرافیایی»
- نمونه ۰۱ - نهاد اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - استان یزد
- زیربند ۰۳ - بخش اعضای همگون
- ۱ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - بخش «زمینه همگونی اعضای این بخش»
- نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - بخش کارگری
- زیربند ۰۴ - نهادهای دیگر سازمانی
- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - «نام نهاد» «نام بخش تشکیلاتی بدون کلمه سازمان، اگر مورد داشته باشد» «نام جغرافیایی، اگر مورد داشته باشد»
- نمونه ۰۱ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - نهاد داوری سراسری
- نمونه ۰۲ - سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - نهاد داوری استان یزد
- بند ۰۶ - کارپایه ها و آیین نامه ها
- دیگر زمینه های مربوط به شیوه ها و روش های زندگی و کار سازمانی در کارپایه ها و آیین نامه های سازمان نوشته خواهد شد.
- کارپایه ها و آیین نامه هایی که جنبه سراسری دارند از سوی گروه کار آن که در کنار نهاد رهبری سراسری سازمان کار می کند تهیه می شود.
- آیین نامه های مورد نیاز هر بخش تشکیلاتی از سوی خود آن بخش تنظیم می شوند.
- بخش چهارم - عضویت
- عضویت در سازمان رابطه ای است داوطلبانه و دو جانبه بین عضو و سازمان.
- داوطلب عضویت درخواست خود را به یکی از بخش های تشکیلاتی یا گروه کار سراسری تشکیلات سازمان ارائه می دهد و با اعلام پذیرش از طرف سازمان به عضویت آن در می آید.
- بند ۰۱ - شرایط عضویت
- ۰۱ - داشتن دستکم یک سال تمام
- ۰۲ - پذیرش پای بندی به کارپایه سازمانی
- ۰۳ - عضو نبودن در یک سازمان سیاسی دیگر
- بند ۰۲ - پذیرش عضویت
- درخواست عضویت در سازمان باید به یکی از بخش های تشکیلاتی یا به گروه کار سراسری تشکیلات داده شود. نهاد در یافت کننده درخواست عضویت باید تا یک ماه شرایط درخواست کننده را بررسی کند.
- در صورت پذیرش درخواست عضویت این تصمیم باید برای تأیید نهایی به گروه کار سراسری تشکیلات و گذار شود. گروه کار سراسری تشکیلات باید تا دو هفته پاسخ خود را به نهاد مربوطه بدهد. در صورت نپذیرفتن، درخواست عضویت این تصمیم به اطلاع درخواست کننده و به آگاهی گروه کار سراسری تشکیلات می رسد.
- کسی که درخواست عضویت او در سازمان پذیرفته نشده باشد، می تواند تا یک ماه به نهاد داوری مربوطه شکایت کند. نهاد داوری باید تا دو ماه به موضوع رسیدگی کند و تصمیم خود را بگوید. درخواست کننده می تواند در صورت موافقت با رای آن نهاد داوری شکایت خود را به ترتیب به نهادهای داوری بالاتر تا نهاد داوری سراسری سازمان ارائه دهد.
- در خارج از کشور تنها گروه کار سراسری تشکیلات حق تصمیم گیری در باره پذیرش یا نپذیرفتن عضویت را دارد.
- بند ۰۳ - وظایف عضو (هموند)
- ۰۱ - پرداخت ماهانه عضویت
- ۰۲ - پای بندی به کارپایه سازمانی
- ۰۳ - کوشش در راستای «آماج ها و دیدگاه ها» و اصول برنامه سازمان
- ۰۴ - برخورد مسئولانه، فعال و انتقادی با نهادها، مسئولین، اعضا و همه مسائل سازمان
- بند ۰۴ - حقوق عضو (هموند)
- ۰۱ - انتخاب آزادانه چگونگی فعالیت سازمانی در چارچوب های کارپایه ای و آیین نامه های سازمان
- ۰۲ - نوشتن و گفتن دیدگاه ها، پیش نهادها و انتقادات خود در باره همه زمینه های زندگی سازمان در درون و بیرون آن
- ۰۳ - نامزدی برای پذیرش مسئولیت های سازمانی و رای آزادانه و برابر به نامزدهای دیگر
- ادامه دارد

اهداف سازمان

- ۰۷ - حق پذیرش مسئولیت و وظیفه پاسخگو بودن در رابطه با کارکردها
- ۰۸ - تمرکززدایی ساختاری و کشوری
- ۰۹ - حق بخش های تشکیلاتی مختلف سازمان در تصمیم گیری در چارچوب آرمان ها و برنامه سازمان در حوزه مسئولیت خود
- ۱۰ - آزادی بیان اندیشه و دیدگاه و انتقاد از همه نهادها و تصمیمات سازمانی در سطح سازمان و جامعه
- ۱۱ - انتشار نظرات مخالف تصمیمات نهادها
- ۱۲ - حق اقلیت در تلاش قانونی برای اکثریت شدن
- ۱۳ - حق بازخواست از برگزیدگان از سوی گزینندگان
- بخش سوم - شیوه ها و روش های بنیادین کار سازمانی
- بند ۰۱ - انتخاب ها
- ۰۱ - انتخاب افراد در سازمان همیشه با رای مخفی صورت می گیرد.
- ۰۲ - همه سرپرستان نهادهای سازمان جانشین دارند.
- ۰۳ - سرپرست هر نهاد و جانشین او از سوی خود آن نهاد انتخاب می شوند، مگر در جاهایی که این کارپایه سازمانی معین کرده باشد.
- ۰۴ - انتخاب سرپرستان و جانشینان مگر در جاهایی که این کارپایه سازمانی معین کرده باشد، بر پایه رای موافقت بیشتر از صحت در صد و دیگر اعضای هر گروه سرپرستی یا گروه کار با رای موافقت دستکم پنجاه در صد و یک تن صورت می گیرد. در سومین دور رای گیری داشتن رای موافقت بیشتر از رای مخالف برای انتخاب شدن پسند است. هر گاه نامزدی در دور سوم رای گیری رای کافی را نیابد، باید نامزد دیگری برای آن مسئولیت پیش نهاد شود.
- ۰۵ - هیچ عضو سازمان نمی تواند همزمان سرپرست دو نهاد هم پایه باشد، مگر با رای موافقت دو سوم اعضای گروه سرپرستی یا نهاد اجرایی بخش تشکیلاتی خود. در باره دستگاه رهبری سراسری سازمان موافقت نهاد اجرایی سراسری و عدم مخالفت نهاد رهبری سراسری سازمان مورد نیاز است.
- ۰۶ - اعضای همایش های نمایندگان (کنگره های) سازمان در سطوح گوناگون به جز مواردی که در این کارپایه سازمانی به ویژگی ذکر شده اند، در سازمان پایه برگزیده می شوند، مگر هنگامی که شمار اعضای سازمان های پایه کم تر از شمار اعضای باشد که حق دارند یک نماینده برای همایش نمایندگان برگزینند.
- ۰۷ - انتخاب سرپرست و گروه سرپرستی بخش های تشکیلاتی سازمان در نشست بالاترین نهاد هر یک از آنها انجام می شود.
- بند ۰۲ - تصمیم گیری ها و مصوبات
- ۰۱ - نتیجه رای گیری باید در همان نشست روشن و اعلام شود.
- ۰۲ - تصمیماتی که در نهادهای سازمانی برمیتابد کارپایه و آیین نامه های سازمانی با رای اکثریت قانونی گرفته می شود، تصمیمات نهادی اند.
- ۰۳ - سیاست گذاری کلان همایش های نمایندگان استان و ایالتی باید دارای رای موافقت دستکم دو سوم نمایندگان آن همایش و دستکم دو سوم همه اعضای آن بخش تشکیلاتی در همه پرسش پس از آن باشد.
- بند ۰۳ - اختیارات
- بخش های تشکیلاتی سازمان در محدوده فعالیت خود حق تصمیم گیری در باره ائتلاف و همکاری با نیروهای سیاسی دیگر را دارند. دستگاه رهبری سراسری سازمان و بخش های تشکیلاتی فراقیتر حق دخالت در این زمینه ها را ندارند.
- بند ۰۴ - شرایط عضویت در نهادهای سراسری سازمان و پذیرش مسئولیت های سازمانی
- ۰۱ - برای عضویت در نهاد رهبری سراسری و نهاد داوری سراسری داشتن دستکم بیست و پنج سال سن و در مجموع دستکم ده سال سابقه عضویت در سازمان و تأیید نامزدی از سوی پنج عضو با ده سال سابقه عضویت در سازمان ضروری است.
- ۰۲ - برای عضویت در گروه های سرپرستی همه بخش های تشکیلاتی، نهادهای داوری به جز نهاد داوری سراسری و گروه های کار، هم چنین برای رای زنی نهاد رهبری سراسری، داشتن دستکم پنج سال سابقه عضویت در سازمان و تأیید نامزدی از سوی سه عضو با پنج سال سابقه عضویت در سازمان ضروری است.
- ۰۳ - نامزد پذیرش هر مسئولیت باید زمان، تجربه، دانش و امکانات کافی برای آن مسئولیت

بخش نهم - شورای سراسری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بخشی از جنبش فداییان خلق ایران است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آمریکا و شاه در روند پیکار با رژیم دیکتاتوری از دل جنبش تاریخی آزادی خواه و عدالت جوی چپ ایران برخاست و در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ در جنگ های سیاهکل با نام سازمان چریک های فدایی خلق ایران موجودیت خود را آشکار کرد.

فداییان خلق ایران علی رغم خطاهای گاه بزرگ خود همواره با تحمل سختی های بسیار علیه استبداد و نابرابری های اجتماعی - طبقاتی و در راه آزادی، دموکراسی، صلح، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم پیکار کرده اند و بسیاری از آنان در راه این پیکار جان باخته اند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شکل میهن دوستان چپ ایرانی است که به منظور تلاش همپیکاری در راه آرمان ها و اهداف سیاسی و اجتماعی ای که به رای خود برگزیده اند، گرد هم آمده اند و سازمان را بر پایه آزادی بیان افراد و گرایش ها و تضمین حق انتقاد آنها، بر اساس رای اکثریت قانونی اداره می کنند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) یک سازمان چپ سوسیالیستی است. از آماج های راه بردی سازمان تلاش در راه پیاده کردن منشور جهانی حقوق بشر است.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به برابری همه انسان ها صرف نظر از خاستگاه اجتماعی و اقتصادی آنان، برابری زن و مرد، برابری همه دین ها و آیین های انسانی گوناگون و برابری همه ملت ها و ملیت ها در برابر قانون باور دارد و با همه توان خود در راه این باورها پیکار می کند. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) باستدباری از محیط زیست از راه پایبندی باور خود می داند.

سازمان را تحقق آرمان های خود را برپایی یک جمهوری فدرال و دموکراتیک پارلمانی می داند.

سازمان بخشی از اردوی جهانی کار و پیش جدایی ناپذیر جنبش های صلح، تحول طلبی، آزادی خواهی و عدالت جویی جهان است. سازمان برای جهانی شدن عادلانه، برای دموکراتیزه کردن روابط اقتصادی و سیاسی جهان و دگرگونی ساختار مبتنی بر حق ویژه کشورهای قدرتمند اقتصادی و برای جلوگیری از سلطه کشورهای امپریالیستی بر جهان مبارزه می کند.

پیوست ۰۱ - آرمان ها و اصول برنامه های سازمان در «دیدگاه ها و آماج ها»، «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی»، «تزهایی در باره مسئله ملی»، «برای تأمین حقوق زنان» و «جهان و جایگاه ما» بازتاب یافته است. اسناد نامبرده پیوست این کارپایه سازمانی است.

بخش نخست - نام، نشان و نشانی سازمان

نام سازمان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) است.

نشان سازمان گلی سرخ رنگ با ساقه و برگ سبز رنگ و بخش میانی زرد رنگ است. سرگل به سمت چپ گرایش دارد.

نشانی سازمان بنا به شرایط فعالیت سازمان در ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در ایران نشانی رسمی ندارد. نشانی ستاد سازمان در شبکه جهانی رایانه ای www.fadaei.org است.

رسائله سراسری بازتاب دهنده مصوبات و دیدگاه های رسمی سازمان و اعضا و نهادهای آن «کار» است.

بخش دوم - بنیان های زندگی سازمانی فداییان خلق ایران

حقوق و وظایف یکایک اعضا و نهادهای سازمان و روابط میان آنان در کارپایه سازمانی فداییان خلق ایران (اکثریت) روشن و بر پایه آن سازماندهی می شود. آیین کارپایه سازمانی بر بنیان های زیر استوار است.

- ۰۱ - کاستن هر چه پیش تر از کارسازي رابطه ها و افزودن هر چه پیش تر بر کارسازي ضابطه ها
- ۰۲ - برابر حقوقی همه اعضای سازمان در برابر کارپایه سازمانی
- ۰۳ - دموکراسی و رعایت متقابل حقوق اقلیت و اکثریت
- ۰۴ - کاربرت شبکه های نهادهای، بخش های تشکیلاتی و شیوه های گوناگون همفکری و هم کاری درون سازمانی در پیش برد پیکار سازمان
- ۰۵ - تنوع فکری و همپیکاری عمل
- ۰۶ - حق فعالیت گرایش ها و گروه بندی های اندیشه ای، برنامه ای و سیاسی در چارچوب آرمان ها

پیش درآمد - سازمان فداییان خلق ایران

نگاهی به اوضاع و دشواری‌های جوانان در ایران

اشاره: طرح اولیه نوشته‌ای که می‌خوانید توسط رفیق علی صمدپوری، مسئول گروه کار جوانان، تهیه شده و پس از دوری از اظهار نظر اعضای هیات سیاسی - اجرایی، در گروه کار به تصویب رسیده است. مواضع مندرج در نوشته مورد تأیید هیات سیاسی - اجرایی قرار گرفته‌اند.

مقدمه:

جمعیت ایران حدود ۶۶ میلیون نفر است که از این تعداد بیش از ۳۲ میلیون نفرشان کمتر از ۲۰ سال دارند یعنی در واقع پس از انقلاب به دنیا آمده‌اند. بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور کمتر از ۳۰ سال و ۴۸ میلیون نفر کمتر از ۳۴ سال دارند. پس ایران کشوری است با جمعیتی بسیار جوان. نیروی جوان از سویی مطالبات خاص خود را دارد و از سوی دیگر در تحول جامعه نقش ویژه‌ای بازی می‌کند. جوانی جمعیت ایران ضرورت توجه به این مطالبات و تاثیر جوانان را بر تحولات اجتماعی به مراتب افزایش می‌دهد. برای بررسی زوایای مختلف موضوع، در این نوشته مسامحتاً دست به تکنیک بین جوانان، دانشجویان و دختران جوان زده‌ایم.

۱ - جوانان

آموزش و پرورش و جوانان

حدود ۲۱ میلیون دانش آموز در رشته‌های مختلف در مدارس سراسر کشور به تحصیل مشغول هستند و تعدادی از کودکان و نوجوانان و جوانان کشورمان به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی نمی‌توانند به تحصیل بپردازند و نیز بخشی دیگر در حین تحصیل به دلیل مشکلات فوق، مراکز آموزشی را برای یافتن کار جهت کمک به معاش خود و خانواده ترک می‌کنند و بدین ترتیب هر ساله گروه زیادی از نوجوانان و جوانان کشورمان از دست‌یابی به امکانات آموزشی محروم می‌شوند. در این بین حکومت با سیاست مدارس غیرانتفاعی (خصوصی) بر مشکلات آموزش و پرورش افزوده است یعنی مدارس کشور به صورت طبقاتی درآمده است. ما مشخصاً خواهان تحقق آموزش رایگان تا مقطع متوسطه برای همه بدون در نظر گرفتن جنسیت، قومیت،... هستیم و می‌خواهیم که به اشتغال کم‌درآمد و فقیر جامعه کمک‌های دولتی صورت گیرد و گام‌های اساسی در جهت تقسیم عادلانه امکانات آموزشی انجام شود.

بخش بزرگی از جمعیت دانش آموز در مناطق ملی مشغول به تحصیل هستند. در این مناطق دانش‌آموزان از حقوق دمکراتیک خود همچون حق آموزش به زبان مادری، حق ایجاد شکل‌های مستقل،... محروم هستند و به اشکال گوناگون توسط ارگان‌های مختلف حکومت تحت فشار و آزار و اذیت و تحقیر دائم قرار می‌گیرند. ما از خواست‌های دمکراتیک و برحق این دانش‌آموزان در مناطق ملی حمایت می‌کنیم.

نظام آموزشی کشور، علی‌رغم سرب‌آوردن جنبش اصلاحات در جامعه، هنوز دستخوش تغییر محسوس نشده است. ما خواهان اصلاحات عمیق و همه‌جانبه در مضمون، مناسبات و ساختار آموزش و پرورش هستیم. به اعتقاد ما تغییر نظام آموزشی باید شامل موارد زیر گردد:

- ۱ - استقرار شبکه گسترده آموزش حرفه‌ای در کشور جهت گسترش تخصص حرفه‌ای
- ۲ - افزایش بودجه آموزشی در کل بودجه کشور
- ۳ - باز نویسی کتب آموزشی بر پایه اکتید علمی و اتکا امر آموزش به طور کلی بر موانع غیر دینی
- ۴ - انحلال دوایر امنیتی همچون «امور تربیتی» یا مشابه در مدارس آموزش و پرورش
- ۵ - مشارکت دانش‌آموزان از طریق تشکلهای مستقل خود در عرصه‌های مرتبط با آموزش

وضعیت کارگران جوان

امروز در کشورمان بیکاری و مشاغل کاذب و نامناسب به عنوان یک معضل حاد اجتماعی، جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده است. سالانه نزدیک به یک میلیون جوان به بازار کار ایران وارد می‌شوند که در بهترین حالت حدود ۳۰۰ هزار نفر از آنان جنب بازار کار می‌گردند و بقیه به لشکر میلیونی بیکاران می‌پیوندند. وزارت کار و امور اجتماعی جز ایجاد یاس و ناامیدی در بیکاران کار آنچنانی برای آن‌ها انجام نمی‌دهد. بیکاران حتی به این وزارتخانه برای برگردن فرم درخواست کار مراجعه نمی‌کنند زیرا برون‌بخت تجربه دریافته‌اند که در آنجا نتیجه‌ای حاصل‌شان نخواهد شد. در ضمن بخش دیگری از جوانان کشورمان در کارهای

حل حکومت تا امروز، برخورد خشونت‌آمیز به صورت دستگیری‌های وسیع، زندان و اعدام بوده است. پس از انقلاب بیش از ۵ هزار نفر در ایران به دلیل قاچاق و استفاده از مواد مخدر اعدام شده‌اند و ده‌ها هزار نفر دوره محکومیت خود را در زندان می‌گذرانند. برخوردهای خشن حکومت نه تنها نتیجه مثبتی به بار نیاورده بلکه یکی از علل گسترش این معضل اجتماعی، برخورد قهرآمیز با مشکل اعتیاد در کشور



بوده‌است. بیکاری روزافزون جوانان، از دست دادن امید بسیاری اشتغال، آینده ناروشن، اضطراب، افسردگی، انواع محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی،... زمینه‌ساز بروز ناخنجارهای روانی و گرایش نسل جوان کشور به مسکن‌ها و مخدرهای زیان آور شده‌است.

جوانان و اعتراضات خیابانی

جوانان و نوجوانان در ایران از حق اعتراض برخوردار نیستند و حتی اصلاح‌طلبان حکومتی این حق اعتراض را به رسمیت نمی‌شناسند. نسل جوان کشور از وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور ناراضی است. حکومت در این ۲۳ سال برای جوانان نه رفاه نسبی، نه آینده‌ای روشن، نه روحیه آفرینندگی و شکوفایی و نه شور درونی برای یک زندگی بهتر، به ارمغان آورده است. روی آوردن به ناقرمائی و مقاومت مدنی واکنش طبیعی در برابر این وضع است که حکومت به ناروا این واکنش را به «جریان‌های برانداز و نیروهای خارجی» نسبت می‌دهد. در جنبش خودجوش جوانان، ابتدایی‌ترین خواست‌های اولیه انسانی مانند حق آزادی، حق انتخاب، حق شادی و پایکوبی مداوما طرح و اعلام می‌شود. دولت خاتمی نیز، علی‌رغم نقش برجسته جوانان در تحولات سال‌های اخیر و وعده‌های داده شده به آنان، در اجرای شعارهای انتخاباتی خود موفق نبوده است. این موجب دوری جوانان از دولت و نیروهای اصلاح‌طلب شده است. حق اعتراض حق دمکراتیک جوانان برای ابراز مخالفت با سیاست‌های دولت و حاکمیت و ابراز مطالباتشان از جامعه است. ما برای تحقق این حق مبارزه می‌کنیم.

جوانان، احزاب و سیاست

جوانان در قیاس با نسل گذشته نسبتاً آگاهتر عمل می‌کنند. آن‌ها به اشکال گوناگون به صورت روزمره با ارزش‌ها و معیارهای اسلامی حکومت درگیر می‌شوند. این اعتراضات خودجوش چون با برنامه مشخصی صورت نمی‌گیرد اغلب مواقع سریع به خشونت و برخوردهای رادیکال کشیده می‌شود. این نسل جوان چیز دیگری نمی‌خواهد، جوانان کشورمان دیگر دیکتاتوری نمی‌خواهند. آن‌ها خواهان نظرات خویش بر شیوه و وضعیت زندگی خود در جامعه هستند. خواست‌های فردی و اجتماعی نقش اساسی در مطالبات نسل جوان دارد. برای داشتن شناخت اولیه و دقیق از جوانان باید به نیازها و خصوصیات آن‌ها راه یافت. گرایش به تجربه، تنوع، حرکت، شور و شوق و هیجان، استقلال،... از مختصات روحی جوانان است. در ایران، احزاب قانونی و حکومتی هنوز نتوانسته‌اند خواست‌ها و تمایلات جوانان را در خود بازتاب دهند. جوانان از خرداد ۷۶ با هزاران امید و آرزو به آقای خاتمی و طرفداران اصلاح‌طلب ایشان دل بستند و از هر کمکی به اصلاح‌طلبان دریغ نکردند ولی در این ۶ سال به خواست‌های اولیه آن‌ها توجه نشده است. آن‌ها به شکل‌های گوناگون به این امر اعتراض دارند. در حال حاضر نوک حمله این اعتراضات محافظه‌کاران و رهبر جمهوری اسلامی است. محدودیت‌های ادامه در صفحه ۱۱

افسردگی در میان نسل جوان کشور می‌شود. ارمغان حکومت ۲۳ ساله از جمهوری اسلامی برای جوانان روحیه پوچی، افسردگی، سستی را برای جوانان بوده است. این وضعیت روحی فوق با مسائل اجتماعی از جمله امور سیاسی رابطه تنگاتنگی دارد. یعنی این که فرد جوان در شرایط فوق دیگر نمی‌تواند به ایفای نقش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شرکت در تعیین سرنوشت خود در جامعه بپردازد و به نوعی به پوچی و سستی در انجام امور می‌رسد و بدین طریق نشاط و تحرک و سرزندگی از او دور می‌شود و امید و آرزو به فردای بهتر و شادتر در میان او از بین می‌رود. ما بر این اعتقادیم چنانچه موضوع جوانان از جنبه روحی و روانی مورد توجه دولت واقع نشود در آینده این بی‌توجهی می‌تواند تأثیرات مخرب و ناخنجاری به‌خصوص در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه داشته باشد.

جوانان و مهاجرت به خارج

دلایل مهاجرت برای هر فرد ایرانی می‌تواند متفاوت باشد ولی در عین حال اشتراکات زیادی بین علل خروج جوانان از کشور وجود دارد. علل مهاجرت را می‌توان موضوعاتی چون بحران اقتصادی، فشار و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، ناروشن بودن آینده ایران، آرزوی یک زندگی بهتر، بیکاری روزافزون جوانان، عدم امکانات رفاهی و تفریحی، برخوردهای خشونت‌آمیز حکومت، احساس عدم امنیت و به حال خود رهاشدن در جامعه،... برشمرد. مهاجرت سالانه جوانان کشور به خارج به یکی از واقعیت‌های دو دهه اخیر جامعه تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۰، تعداد ۳۵ هزار نفر ایرانی تنها از کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کرده‌اند. در همین سال، به قول دکتر معین، در حدود ۲۲۰ هزار نفر از نخبگان علمی و مدیریتی صاحبان سرمایه کشور فقط به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند.

بخش اعظم این مهاجران و پناهندگان را جوانان تشکیل می‌دهند. آن‌ها در کشورمان از ابتدایی‌ترین حقوق فردی محروم شده‌اند. این جوانان به دلیل نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، برای داشتن یک زندگی بهتر و شرافتمندانه ایران را به مقصدی نامعلوم ترک می‌کنند تا بدین طریق بتوانند بر آرزوهای بریادرفته خود در کشور، در جایی دیگر جنبه واقعی بدهند. آن‌ها خواسته‌های عجیب و غریبی ندارند فقط می‌خواهند با برخورداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی، زندگی شاد و بهتری داشته باشند. منع پیگرد عمومی، تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، و گشایش امکانات شکوفایی جسم و جان جوانی، از دلایل پدیده ترک کشور است. ما در جهت تحقق این خواست‌ها گام‌برمی‌داریم.

جوانان و اعتیاد

اعتیاد به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است و روزبه‌روز در میان اقشار جامعه و به‌ویژه جوانان و نوجوانان افزایش می‌یابد. در سال‌های اخیر متوسط سن اعتادان مدام کاهش یافته است. آمار دولتی حاکی از آن است که ایران یک میلیون و پانصد هزار معتاد دارد. راه

میان جوانان شده است. در این سال‌ها اغلب ارتباطات دختران و پسران مخفی و در شرایط رعب صورت گرفته است. خواست‌های جوانان برای تبادل نظر و برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف، خواست‌های سالم و برحق‌اند که باید تحققیابند. ما برای تحقق این خواست‌ها مبارزه می‌کنیم.

ازدواج یکی دیگر از مسائل مهم جوانان در ایران است و موانع و کاستی‌ها و مشکلات اقتصادی، نداشتن مسکن و درآمد کافی برای فراهم آوردن مقدمات زندگی، مهریه‌های بسیار بالا، سنگینی جهیزیه، دخالت خانواده‌ها،... در برابر قشر جوان کشور وجود دارد که مانع ازدواج در میان جوانان می‌شود. در حال حاضر درصد ازدواج به دلیل مشکلات فوق کاهش یافته و در عوض درصد طلاق افزایش یافته است. امروز در ایران اکثریت جوانان کشور به دلیل شرایط و محدودیت‌های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با مشکلات زیادی برای تشکیل خانواده مواجه هستند.

ما بر این باوریم که دولت باید شرایط مناسبی در جهت ایجاد اشتغال و کمک‌های اجتماعی و شرایط آزاد برای زندگی مشترک زوج‌های جوان بوجود بیاورد.

ورزش و جوانان

اکثریت قریب به اتفاق قشر نوجوان و جوان کشور از دسترسی به امکانات ورزشی، محروم هستند. ایجاد شرایط مناسب برای جذب آنان به ورزش یکی دیگر از محوری‌ترین مسائل روز کشور می‌باشد. دولت برای پرکردن اوقات فراغت و سلامتی افراد جامعه برنامه روشن و مشخصی ندارد. یکی از مراکز که می‌تواند اقدامات پایه‌ای و اساسی برای رشد و گسترش ورزش انجام دهد وزارت آموزش و پرورش است. این وزارتخانه باید از مقطع ابتدایی به برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه در این عرصه بپردازد. علاوه بر این، مراکز دیگری که به نحوی با نوجوانان و جوانان کشور در ارتباط و فعالیت هستند چون شهرداری‌ها، مراکز ملی جوانان، خانه‌های جوانان،... باید به فعالیت جدی و اساسی در عرصه جذب قشر نوجوان و جوان کشور به ورزش اقدام کنند. دولت با قراردادن امکانات و سوسپد باید در این عرصه فعال باشد. به علاوه تبعیضات و بی‌عدالتی‌های زیادی در استفاده از امکانات موجود ورزشی میان تهران و استان‌های دیگر کشور از سویی و میان دختران و پسران از سوی دیگر وجود دارد. حتی این تبعیضات را در خود شهر تهران به‌خصوص در مناطق جنوب شهر می‌توان به وضوح دید. در این مناطق به علت کثرت جمعیت، میزان تراکم و فضاهای سرپوشیده ورزشی برای هر نفر در حدود ۰.۰۳٪ درصد در هر متر مربع است. برای این که ورزش در کشورمان مورد استفاده تمام اقشار جامعه قرارگیرد، ما به همراه نوجوانان و جوانان کشورمان برای خواسته‌های زیر مبارزه می‌کنیم.

- اعتبارات دولتی برای تعمیر و نگهداری اماکن ورزشی می‌باید افزایش یابد.
- اختصاص بودجه کافی برای ساختن موسسات، اماکن ورزشی جدید
- از بین بردن تبعیض و بی‌عدالتی در تأمین و استفاده از امکانات ورزشی میان استان‌های کشور، مناطق شهری و پسران و دختران
- برنامه‌ریزی دقیق جهت استفاده از تمام بخش‌های دولتی و غیردولتی برای رشد و گسترش ورزش در جامعه
- ایجاد ساختار مستقل و دمکراتیک در باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها و سازمان تربیت‌بدنی کشور
- قراردادن بودجه اختصاصی برای استفاده اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه از امکانات ورزشی

وضعیت روحی و روانی

جوانان کشورمان به دلیل فقدان امنیت شغلی، عدم اطمینان نسبت به آینده، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، وجود انواع تبعیضات، رواج اعتیاد، مشکلات ازدواج، وجود بی‌عدالتی، نبود آزادی‌های فردی،... همواره تحت فشارهای روحی و روانی هستند و این مجموعه باعث نارضایتی از وضع موجود و

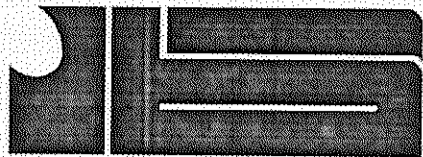
نیمه‌وقت یا فصلی به صورت بیکران پنهان به زندگی خود ادامه می‌دهند. حقوق روزانه این کارگران جوان، کفاف خرج زندگی آن‌ها را نمی‌دهد و آن‌ها در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دولت ایران در حال حاضر قادر به ایجاد کار متناسب با افزایش جمعیت جوان نیست و به علاوه هنوز ما در ایران یک سیستم منسجم و دقیق برای هماهنگ‌ساختن نیروی کار با بازار کار نداریم و برنامه‌ها و سیاست‌های دولت بر اساس وضعیت و نیازهای اشتغال تنظیم نمی‌شود. امروز جوانان کارگر و کارمند کشور به این امر به شدت اعتراض دارند و برای آن‌ها کار و زندگی بهتر بیش از هر چیزی اهمیت دارد. برخورداری از کار و اشتغال حق خلل‌ناپذیر جوانان است. ما خواستار این هستیم که دولت با اختصاص بودجه ضروری به همراه یک برنامه و سیاست دقیق و روشن در جهت سوق دادن سرمایه‌ها به بخش تولید و ایجاد اشتغال اقدام کند و در این بین نیز از نظر تمام صاحب‌نظران جمعیت توسعه اشتغال در کشور بهره‌گیرد.

موسیقی و مد در میان جوانان

حکومت جمهوری اسلامی با سرکوب تنوع‌خواهی، آزادی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی،... سیاستی انحصارطلبانه و سرکوب‌گرانه را در جامعه انتشار داده و انواع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را ایجاد کرده است. جوانان، به لحاظ گرایش به مد و تنوع، مستقیماً در معرض حمله و سرکوب و تحقیر این سیاست بوده‌اند. حکومت با پیگرد‌ها، زندان‌ها و فشارهای امنیتی و انتظامی نتوانسته است در مقابله با این پدیده موفق شود و در آموزش و پرورش «اسلامی» نسل جوان کشور، با ناکامی روبرو شده است. مد و مدگرایی بیش از پیش در میان جوانان و نوجوانان نفوذ و گسترش یافته است. الگوهای فرهنگی و اسلامی جمهوری اسلامی برای جوانان جذابیت پیدا نکرده است. امروز جوانان و نوجوانان روزانه هر چه بیشتر به مد لباس، موی سر و رفتارهای گسرودهای موسیقی «رپ»، تکنو، پاپ،... هنرمندان و ورزشکاران خارجی به خصوص از نوع غربی و آمریکایی، توجه می‌کنند. امروز در میان عموم جوانان و نوجوانان صرف نظر از تعلقات اجتماعی - طبقاتی آنان، در عرصه مطالبات اجتماعی و آزادی‌های مدنی برای یک زندگی بهتر و آزادتر و نقاط اشتراک زیادی وجود دارد و آن‌ها اکنون در اغلب موارد به صورت مشترک عمل و اعتراض می‌کنند. در حال حاضر با افزایش ارتباط بین جوانان میان امکان تبادل نظرات، روابط گسترده‌ای میان آن‌ها بوجود آمده است. جوانان کشورمان با امکانات و وسایلی چون ماهواره، اینترنت، نوار ویدئو، نوار کاست، پوسترها، لباس‌ها و شلوارهای پامارک غربی، تحت تاثیر تغییرات و شرایط زندگی جوانان دیگر کشورها قرار دارند. این جوانان و نوجوانان با پوشش مارک‌دار و خارجی خود در واقع نوعی اعتراض ممنوعیت‌های ابراز می‌کنند. این نوع برخورد نوجوانان و جوانان کشورمان را می‌توان نوعی نوجویی و نوگرایی ارزیابی کرد. اعتراضات جوانان مبین بروز خاصی از طلب آزادی‌های اولیه انسانی است. خواست آزادی‌های فردی و اجتماعی از خواست‌های برحق جوانان است و ما برای تحقق این مطالبات مبارزه می‌کنیم. ما نیروهای آزادی‌خواه، دمکرات و اصلاح‌طلب کشور را به حمایت از این خواست‌ها فرامی‌خوانیم.

از دواج و روابط میان دختران و پسران

روابط میان دختران و پسران یکی دیگر از مسائل مهم و اساسی قشر جوان کشور می‌باشد. در ایران، شرایط حکومت اسلامی، اعمال سیاست جدایی‌جسسی در جامعه و محدودیت‌های قانونی و فرهنگی مانع تعقیق و گسترش علنی روابط دختران و پسران شده است. در حالی که ارتباط اولیه میان پسران و دختران می‌تواند بخش زیادی از نیازهای دختران و پسران جوان را دربرقراری ارتباط و دوستی با یکدیگر برطرف کند. ارتباط و تبادل نظر در میان جوانان باعث تقویت دوستی و روحیه آن‌ها می‌شود. حکومت در تمام سال‌های بعد از انقلاب با سخت‌گیری‌های بی‌اساس در محیط جامعه مانع ایجاد و تقویت روابط در



چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۰ - ۶ مارس ۲۰۰۲ دوره سوم - شماره ۲۷۶
KAR - No. 276 Wednesday 6. March 2002
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: <http://www.fadai.org>
آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام گیر: 0049 - 221 - 9322136

تک فروشی: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو
بهای اشتراک:

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

دارنده حساب: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtparkasse Köln

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تعهد اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name: نام:

Address: نشانی:

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس پست کنید!

بنیادگرایان خاورمیانه را به گروگان گرفته اند

محمود صالحی



دو سرباز اسرائیلی در کنار جسد یک فلسطینی. عکس یادگاری برای آلبوم خانوادگی؟

اما واقعیت این است که تا قبل از کودتای آریل شارون که خود را در شمایل «زیارت» به نمایش گذاشت، واقع گرایان اسرائیل و فلسطین به افتخار نوبل صلح نائل شده بودند. واقعیت دیگر این است که بنیادگرایان مردم دو ملت و منطقه را به گروگان گرفته اند و این جنگ، جنگ بنیادگرایان فلسطینی و اسرائیلی است که آب به آسیاب یکدیگر می ریزند و خون جلوی چشمانشان را گرفته است.

بین آن روزهایی که عبدالله در بیمارستان ریاض به ملاقات شیخ یاسین رهبر حماس می رفت و حزب الله و حماس از کمک های مالی عربستان برخوردار بودند، ۱۱ سپتامبر قرار دارد. عبدالله طرح خود را ماه آینده به کنفرانس سران عرب در بیروت ارائه خواهد کرد. دلایل ارائه طرح از سوی ولیعهد عربستان مشکلات داخلی، فشار بین المللی، و احساس قلبی به فلسطین» و یا

حمله ارتش اسرائیل صورت گرفت تاکنون ۹ نفر کشته و دهها نفر زخمی شده اند. در طی مدت ۱۷ ماه که از انتفاضه می گذرد بیش از هزار نفر از مردم فلسطین و ۲۸۸ نفر اسرائیلی کشته و هزاران نفر زخمی شده اند. جامعه فلسطین و اسرائیل چیرا حیات عمیقی برداشته اند و مداوای آن تازه از فردای برقراری صلح که دست یابی به آن امروز ناممکن می نماید، دهها سال طول خواهد کشید.

تصاویر هر روزه خبرگزاری ها از حمله ارتش اسرائیل به مناطق فلسطینی، تخریب منازل، تیراندازی، درگیری و تشییع جنازه فلسطینی ها، انفجار بمب و اجساد تکه و پاره شده شهروندان اسرائیلی و باز حمله متقابل ارتش این شبهه را بوجود آورده است که گویا دو قوم کمر همت به نابودی یکدیگر بسته اند.

دولت عربی ملاقاتی صورت نخواهد گرفت. از سوی دیگر فشار بر دولت شارون که سیاست «مشت آهنین و برقراری آرامش در صد روز» شکست خورده رو به افزایش است. روزنامه معاریو که مواضع دوستانه و نزدیکی با دولت شارون دارد در سرمقاله اش نوشت: «ما از شما می خواهیم طرح عربستان را قبول نمایید». شیمون پرز از این طرح بعنوان «شانسی بی نظیر» یاد کرد و بنیامین بن الیر وزیر دفاع اسرائیل گفت: ما اجازه نداریم این طرح را رد کنیم.

هنوز پشتیبانی های دول و مجامع بین المللی از این طرح ادامه داشت که بمبی دیگر منفجر شد و متعاقب آن ارتش اسرائیل وارد اردوگاه های فلسطینی در کرانه غربی رود اردن شد. در این تهاجم ۱۳ فلسطینی به قتل رسیدند. با انفجار بمب روز شنبه گذشته در اورشلیم که به تلافی

هفته گذشته امیر عبدالله ولیعهد عربستان برای کاهش تنش هادر منطقه خاورمیانه پیشنهادی را مطرح کرد که چندان هم جدید نبود اما اهمیت این پیشنهاد در طرح آن از سوی عربستان سعودی و شخص عبدالله است. ولیعهد عربستان در مصاحبه ای که در روزنامه نیویورک تایمز به چاپ رسید پیشنهاد کرد، دولت های عرب به محض برقراری صلح عادلانه در خاورمیانه، عقب نشینی اسرائیل به پشت مرزهای سال ۱۹۶۷ و تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی بیت المقدس اسرائیل را به رسمیت بشناسند.

به محض انتشار این پیشنهاد، جرج بوش از آن تمجید کرد. کالین پاول آن را «گامی مهم» دانست و خاویر پرز سولانا در دیداری با عبدالله تمایل ملاقات رهبران اسرائیل از عربستان سعودی را اعلام نمود. روزنامه الوطن نوشت تا قبل از توافق با

است که این طرح را رد نماید. تا آنجا که به شخصیت شارون برمی گردد او هم قابلیت قصاب شتیلا بودن را دارد و هم می تواند بلدوزری باشد که شهپرک های یسهودی نشین در قلب مناطق فلسطینی را با خاک یکسان کند.

بگیرند! فعلا حزب الله لبنان با انتشار بیانیه ای این طرح را رد و تاکید کرده: فلسطین فقط با مبارزه مسلحانه خواهد توانست اسرائیل را شکست دهد. جامعه اسرائیل معقول تر از آن

هرچند که می خواهد باشد، باید تقویت شود و مورد استقبال قرار گیرد. زمینی شدن این طرح به معنای چرخش سیاست عربستان و سایر دول عربی است. انوقت ایران یا حداقل اصلاح طلبان نیز باید در مورد اسرائیل تصمیم

به آقای یوشکا فیشر وزیر خارجهی دولت آلمان فدرال

محور شیطانی نامیده و مورد تهدید قرار داده است.

آقای وزیر، سازمان ما، به منابهی بزرگ ترین سازمان چپ دمکرات ایران، سیاست های شما در رابطه با غیرمسئولانه و نادرست خواندن این سیاست آقای بوش هم چنین توجه مسئولانهی شما و دولت مردان ایران را درست ارزیابی می کند. ما امیدواریم در روابط بین اتحادیهی اروپا و دولت شما با ایران توجه به مسائل حقوق بشر رعایت اصول دمکراسی در ایران سهم درخور خود را پیدا کند. سازمان ما خواستار گسترش رابطهی برابر حقوق بین ایران و تمام کشورهای جهان هستیم و گسترش این ارتباطات را در راستای گسترش دمکراسی در ایران ارزیابی می کند. ما امیدواریم شما در دیدار تان با آقای خزانی مسئولیت دولت آقای خاتمی در اتخاذ سیاست های درست و شجاعانه در عرصه بین المللی و گسترش دمکراسی در ایران را یادآوری نموده و پیام آور این اندیشه باشید که دولتی که نتواند دمکراسی در سطح روابط ملی را پاس داری کند نمی تواند پاس دار دمکراسی در روابط بین المللی باشد. برای پاس داری از دمکراسی در سطح ملی، دولت آقای خاتمی مسئولیت دارد در مقابل نمایش محاکمه ی آقای سحابی، و تهاجمات محافظه کاران به دانشجویان و روزنامه نگاران به دیگر اعمال ضددمکراسی به ایستد. مجدداً ایران امیدواری می کنیم تداوم و گسترش روابط دولت شما و ایران به گسترش دمکراسی در ایران باری رساند.

دشمن خود می پندارند پرداخته اند. در کشور ما ایران نیز فضای دوگانه ای حاکم است. بخش اعظم مردم و نیروهای سیاسی کشور ما که درگیر نبردی عظیم و طولانی مدت با دیکتاتوری، تروریسم حکومتی و بنیادگرانی هستند و با تحمل شداید فراوان در راه پی ریزی سیستم حکومتی دمکراتیک و مدرن پیش می روند، هم رای و هم صدا با نفرت جهانی و عظیم ایجاد شده پس از فاجعهی ۱۱ سپتامبر علیه تروریسم و بنیادگرانی در اندیشهی تشنج زدانی هرچه پیش تر و عادی کردن روابط با آمریکا هستند. اما تعداد زیادی از سیاستمداران حکومت جمهوری اسلامی در فکر غیرانسانی از فضای ایجاد شده در برابر خود قرار داده و سیاست درستی اتخاذ کرده اند. اما متأسفانه بخشی از آنان، و در رأس همه حکومت اسرائیل و شخص آریل شارون، با سوءاستفاده از فضای خشونت آمیز ایجاد شده، سیاست های ضددمکراتیک خود گشته اند. دولت آقای بوش نیز متأسفانه سیاست غیرعقلانه ای در پیش گرفته است. دولت آقای بوش، در فکر گسترش تسلط خود بر جهانی یک پارچه، جهان را به دو بخش دوستان و دشمنان آمریکا تقسیم کرده و سیاست متناقضی در مقابل دو بخش در پیش گرفته است. این دولت و شخص آقای بوش در حالی که آشکارا از سیاست های تروریستی و جنایتکارانهی دولت فعلی اسرائیل و شخص آریل شارون علیه مردم فلسطین حمایت می کنند، با دست او نیز قراردادن مبارزه با تروریسم به اعمال زور و تهدید سیاسی و همراه با عراق و کره ی شمالی

آقای وزیر این روزها و در زمانی بسیار حساس وزیر خارجهی ایران آقای خزانی مهمان شما خواهند بود. جنایت بزرگ ۱۱ سپتامبر فضای سیاسی جهان و روابط بین کشورهای را به شدت تحت تاثیر قرار داده و به گسترش خشونت و تخاصم در این عرصه خدمت کرده است. از فضای ایجاد شده در چندماهه ی پس از این فاجعهی بزرگ ضدبشری حکومت ها و سیاستمداران دو استفادهی متضاد به عمل آورده اند. اکثریت آنان، از جمله کشورهای اتحادیهی اروپا، کشور شما و شخص شما، نگران از به خطر افتادن دست آوردهای تمدن و دمکراسی، مبارزهی جدی و ریشه ای با تروریسم و عوامل گسترش روش های تروریستی، مانند فقر و اجحاف حاکم بر کثیری از مردم جهان، را به عنوان وظیفهی مقدم و فوری در برابر خود قرار داده و سیاست درستی اتخاذ کرده اند. اما متأسفانه بخشی از آنان، و در رأس همه حکومت اسرائیل و شخص آریل شارون، با سوءاستفاده از فضای خشونت آمیز ایجاد شده، سیاست های ضددمکراتیک خود گشته اند. دولت آقای بوش نیز متأسفانه سیاست غیرعقلانه ای در پیش گرفته است. دولت آقای بوش، در فکر گسترش تسلط خود بر جهانی یک پارچه، جهان را به دو بخش دوستان و دشمنان آمریکا تقسیم کرده و سیاست متناقضی در مقابل دو بخش در پیش گرفته است. این دولت و شخص آقای بوش در حالی که آشکارا از سیاست های تروریستی و جنایتکارانهی دولت فعلی اسرائیل و شخص آریل شارون علیه مردم فلسطین حمایت می کنند، با دست او نیز قراردادن مبارزه با تروریسم به اعمال زور و تهدید سیاسی و نظامی بر آن بخش از جهان که

دیگر وقایع هم تصدیق کننده ضرورت مبارزه مان می باشند.

در ارژانتین شکست طرح های صندوق بین المللی پول و افزایش قروض بحران اقتصادی را موجب گردیدند که به یک بحران سیاسی و اجتماعی فراوردید است. این بحران اعتراضات و تظاهرات خود به خودی طبقه متوسط و کارگر را به دنبال داشته و قربانیانی هم گرفته و موجب سقوط دولت ها گردیده و اتحادیه های جدیدی را بین گروه های مختلف اجتماعی به وجود آورده است. تظاهرات با قابله های آتپزی و ایجاد سد معبر توسط بیکاران خواست های ابتدایی مردم برای غذا، کار و مسکن را به نمایش گذاشت. ما تهاجم به حقوق دمکراتیک و آزادی و فشاری را که به جنبش های اجتماعی ارژانتین وارد می شود را محکوم می کنیم. ما هم چنین حرص و باج خواهی کنسرن های چند ملیتی را که توسط حکومت های کشورهای متحده آمریکا و متحدین اش می باشد. این جنگ چهره دیگری از نولیبرالیسم بیرحم و غیرقابل تحمل را نشان می دهد. زمانی که نژادپرستی و بیگانه سازی بلامانع گسترش می یابد، اسلام متهم می شود. رسانه های جمعی هنگامی که جهان را به «خوب» و «بد» تقسیم می سازند نقش مهمی را در این عرصه بازی می کنند. مخالفت ما با این جنگ یکی از عناصر جدایی ناپذیر جنبش ماست.

تشدید بی ثباتی در خاور نزدیک و میانه بهانه ای برای افزایش فشار علیه خلق فلسطین گردیده است. با توجه به اشغالگری بی رحمانه اسرائیل، ما بسیج برای همبستگی با خلق فلسطین و مبارزه اش برای تعیین سرنوشت خود را ضروری می دانیم. این ساله از اهمیت اساسی برای امنیت مشترک همه خلق های منطقه برخوردار است.

حکومت ایالات متحده که در تلاش های خود منافع شرکت های بزرگ را مورد حمایت قرار می دهد متکبران کنفرانس کیوتو پیرامون گرم شدن کره زمین را ادامه دارد

قطع نامه پایانی جنبش های اجتماعی

در دومین همایش خود در پورتو آگره

مقاومت علیه نولیبرالیسم، نظامی گری و جنگ، برای صلح و عدالت اجتماعی

برگردان: ع. بهار

تهاجم به غیر نظامیان در هر کجای دنیا محکوم می کنیم، ایالات متحده همراه با متحدین خود حمله نظامی بزرگی را آغاز نمودند. در سراسر جهان بنام «جنگ علیه تروریسم» حقوق شهروندی و سیاسی زیر پا گذاشته می شوند. جنگ علیه افغانستان که در آن شیوه های تروریستی به کار گرفته شده اند در حال گسترش خود به جبهه های دیگر است. ما در آغاز یک بحران مستمر جهانی قرار داریم که هدف اش تضمین سلطه ایالات متحده آمریکا و متحدین اش می باشد. این جنگ چهره دیگری از نولیبرالیسم بیرحم و غیرقابل تحمل را نشان می دهد. زمانی که نژادپرستی و بیگانه سازی بلامانع گسترش می یابد، اسلام متهم می شود. رسانه های جمعی هنگامی که جهان را به «خوب» و «بد» تقسیم می سازند نقش مهمی را در این عرصه بازی می کنند. مخالفت ما با این جنگ یکی از عناصر جدایی ناپذیر جنبش ماست.

بیش از ۶۰ هزار نفر از ۳۱ ژانویه تا ۴ فوریه سال جاری میلادی در شهر بندری پورتو آگره برزیل برای دومین همایش اجتماعی جهان تحت شعار «دنیایی دیگر ممکن است» گرد هم آمده و پیرامون پیامدهای جهانی شدن سرمایه داری و بدیل های آن بحث و مشاوره نموده و پس از پایان این همایش قطع نامه زیر را صادر نمودند.

ما، دهها هزار نفر متعلقه به جنبش های اجتماعی از سراسر دنیا با توجه به وخامت دم افزون شرایط زندگی مردم جهان برای دومین بار در همایش اجتماعی جهانی در پورتو آگره گرد آمده ایم. با آن که تلاش های زیادی برای درهم شکستن همبستگی مان صورت گرفته است، دوباره گرد هم آمده ایم تا مبارزه مان را علیه نولیبرالیسم و جنگ دنبال کرده، توافقات سال گذشته را مورد تاکید قرار داده و دوباره نشان دهیم که جهانی دیگر ممکن است.

تأثیرات این سیستم درناک است. هر روزه زنان، کودکان و سالخوردهگان از گرسنگی و یا به خاطر عدم دسترسی به خدمات پزشکی جان می سپارند. به خاطر جنگ، به خاطر پروژه های بزرگ صنعتی، به خاطر فجایع زیست محیطی و حاصلخیز نبودن زمین، خانواده ها از خانه و کاشانه خود رانده می شوند. جوامع زیادی از بیکاری و از دستبرد زدن به خدمات عمومی و سیستم رفاه اجتماعی توسط دولت ها رنج می برند. به همین خاطر در جنوب همانند شمال مبارزات و مقاومت ها برای یک زندگی با ارزش و با حرمت افزایش می یابد.

وقایع ۱۱ سپتامبر موجب چرخش نگران کننده ای گردیده است. پس از ایستن ضربات تروریستی که ما بدون قید و شرط آن را همانند هر گونه

ما گونه گون هستیم: زنان و مردان، پیر و جوان، بومی، روستایی و شهری، کارگر و بیکار، بسی خانمان، دانشجو، انسان هایی با مذاهب مختلف، از هر رنگ پوست و با گرایش های جنسی مختلف. این گونه گونی نقطه قوت و پایه وحدت ماست. ما یک جنبش جهانی همبستگی هستیم، متحد در عزم خود علیه تمرکز ثروت، گسترش فقر و